

رساله اول یوحنا رسول

مقدمه

این رساله توسط یوحنا رسول، پسر زبدي تحریر گشته است. یوحنا یکی از دوازده حواری عیسی بود (مرقس ۱: ۱۹-۲۰). از آنجا که عیسی مسیح، یوحنا را بیشتر و عمیق‌تر از دیگر رسولان خود محبت می‌نمود، یوحنا رسول با عنوان **آن شاگردی که عیسی او را محبت می‌نمود**، معروف گردیده بود (یوحنا ۱۳: ۲۳؛ ۲۱: ۲۰). انجیل یوحنا، سه رساله یوحنا و کتاب مکاشفه یوحنا توسط همین رسول نگاشته شده است. یوحنا رسول، سالیان درازی پس از مرگ و رستاخیز مسیح زندگی کرد و بنا به عقیده کلیسای اولیه، تنها رسولی بود که شهید نشد بلکه به مرگ طبیعی و در سن پیری در گذشت. یوحنا رسول، رساله حاضر را در اواخر قرن اول میلادی به رشته تحریر در آورد.

از آنجا که وی یکی از دوازده حواری اولیه مسیح و «آن شاگردی که عیسی او را محبت می‌نمود» بود، لذا یوحنا رسول این رساله را با اقتدار بسیاری می‌نویسد. همه مسیحیان قرن اول میلادی و کلیسای اولیه، یوحنا را به خوبی می‌شناختند و به همین خاطر او برای معرفی کردن و امضای نام خویش ضرورتی احساس نمی‌کرد. یوحنا رسول این رساله را به کلیسا می‌نویسد تا اینکه قبل از هر چیز، ایشان بدانند که **حیات جاودانی** را دریافت کرده‌اند (اول یوحنا ۵: ۱۳). او می‌خواست که ایمانداران را در ایمانشان تقویت کند.

متأسفانه اطلاع کافی در مورد مکان دقیق نگارش رساله در دست نمی‌باشد. همچنین به طور دقیق معلوم نیست که یوحنا رسول رساله اولش را به کدام یک از کلیساهای آسیای صغیر نوشته است. احتمال می‌رود که مخاطب رساله، یک کلیسای خاص نباشد و یوحنا رسول، این رساله را به شکل یک خبرنامه به کلیساهای مختلف و متعددی ارسال کرده باشد. ولی این نکته مشخص است که یوحنا، این نامه را جهت هوشیار ساختن ایمانداران نسبت به یک سری تعالیم غلط و مضر که در کلیسا و در میان جماعات ایمانداران شایع شده بود و برای رد کردن آن تعالیم نوشته است. عده‌ای معلمان دروغین و بدعت‌گزار اعتقاد داشتند که مسیح در جسم ظهور نکرده است. ایشان ادعا می‌کردند که عیسی روح یا شبیح و یا رؤیایی بیش نبوده است. رساله اول یوحنا رسول، این ادعاها و تعالیم غلط را قاطعانه رد کرده، نشان می‌دهد که عیسی مسیح

انسان کامل و خدای کامل می‌باشد. اهمیت کار مسیح بر روی صلیب، و مرگ و رستاخیز او در این است که او انسان شد تا همچون یکی از ما برای ما انسانها فدا گردد. اگر عیسی انسان نمی‌بود، نمی‌توانست خود را به عنوان نماینده نسل آدم به جهت فدیۀ گناهان ما انسانها تقدیم نماید. به همانگونه، اگر مسیح در ذات الهی خود با پدر برابر نمی‌بود، صلیب و مرگ و رستاخیز او ارزش کمتری پیدا می‌کرد. به این دلیل، دانستن و ایمان داشتن به این حقیقت که مسیح در آن واحد خدای کامل و انسان کامل بود، حائز ارزشی به غایت مهم می‌باشد.

رئوس مطالب

الف) مشارکت با خدایی که نور است (۱:۱ - ۲:۲۹)

- ۱- کلمۀ حیات (۱:۱-۴).
 - ۲- راه رفتن در نور (۱:۵-۱۰).
 - ۳- اطاعت از احکام خدا (۱:۲-۶).
 - ۴- حکمی تازه (۲:۷-۱۷).
 - ۵- هشدار در مورد دجال (۲:۱۸-۲۹).
- ب) مشارکت با خدایی که عدالت است (۳:۱ - ۴:۶).
- ۱- انجام اعمال صحیح (۳:۱-۱۰).
 - ۲- محبت نمودن به یکدیگر (۳:۱۱-۲۴).
 - ۳- هشدار در رابطه با روحهای دروغین (۴:۱-۶).
- ج) مشارکت با خدایی که محبت است (۴:۷-۵:۲۱).
- ۱- تعلیم در رابطه با محبت (۴:۷-۲۱).
 - ۲- ایمان به پسر (۵:۱-۱۲).
 - ۳- نتیجه و ملاحظات (۵:۱۳-۲۱).

باب ۱

۱ کلمهٔ حیات همانا خود عیسی مسیح است. در انجیل یوحنا ۱:۱، عیسی به عنوان **کلمه** معرفی شده است. عیسی مسیح - کلمهٔ خدا- از ابتدا با خدا بود. در حقیقت، عیسی نه فقط از ابتدا با خدا بود، بلکه از آنجا که خدا ابتدایی ندارد، می‌توان گفت که مسیح پیش از ابتدا با خدا بوده است. خدا همیشه بوده و هست و خواهد بود، به همین ترتیب، عیسی مسیح نیز همیشه وجود داشته و هست و خواهد بود.

کلمه (کلمهٔ خدا) **جسم گردید و در میان ما ساکن شد** (یوحنا ۱:۱۴). مسیح، کلمهٔ خدا جسم پوشید و به جهان آمد^۱. کلمهٔ خدا جسم گردید. به عبارت دیگر وی انسان شد. یوحنا و دیگر رسولان او را با چشمان خود دیدند. او را با دستهای خود لمس کردند. مسیح شیخ و یا رؤیایی زائیدهٔ فکر و تخیلات رسولان نبود. رسولان بدن جسمانی مسیح را نه تنها قبل از مرگش بلکه پس از رستاخیزش از مردگان لمس نمودند (انجیل لوقا ۲۴:۳۹). پس، یوحنا کاملاً ایمان دارد که عیسی مسیح انسان کامل و در عین حال خدای کامل است.

۲ حیات (یا مسیح) **ظاهر شد**. در این آیه، یوحنا مسیح را به نام حیات جاودانی به خوانندگان خود معرفی می‌کند. او در انجیل خود نوشت: **در او حیات بود و حیات نور انسان بود** (یوحنا ۱:۴). عیسی فرمود: **«من راه و راستی و حیات هستم»** (یوحنا ۱۴:۶). عیسی مسیح به تمام کسانی که به او ایمان آورند حیات جاودانی می‌بخشد (یوحنا ۳:۱۶). عیسی مسیح همان کلمهٔ جاودانی پدر است که از ازل با خدا بود. او به میان ما انسانها آمد و خود را بر ما ظاهر نمود. در این رساله، یوحنا می‌نویسد: **و به شما خیر می‌دهیم از حیات جاودانی که نزد پدر بود و بر ما ظاهر شد**. ما نیز باید به همین شکل حیات جاودانی را به

دوستان و آشنایان و همسایگان خود اعلام نموده، مژدهٔ مسیح را به دیگران اعلام نماییم؟ آیا در این امر فعال بوده‌ایم؟

۳ یوحنا رسول، حیات (آیهٔ ۲) را با چشمان خود دیده بود و سخنان او را با گوش خود شنیده بود. ولی خوانندگان این رساله هرگز عیسی را با چشم خود ندیده بودند و سخنان وی را نشنیده بودند. پس به این خاطر، یوحنا این رساله را می‌نویسد تا اینکه ایشان نیز عیسی را بشناسند تا اینکه **شما هم با ما شراکت داشته باشید**. این بدان معناست که شما با شناختن عیسی با ما (یوحنا و دیگر ایمانداران) شراکت خواهید داشت و نتیجتاً با خدای پدر و پسر یگانه‌اش عیسی مسیح مشارکت حاصل خواهید نمود. مشارکت با خدا و عیسی مسیح یعنی اینکه خدا و عیسی به نزد ما آمدند تا اینکه نزد ما مسکن گیرند (یوحنا ۱:۲۳). زمانی که ما با خدا و عیسی مشارکت داشته باشیم، با دیگر ایمانداران نیز در مشارکت خواهیم بود.

۴ زمانی که ایماندار با خدا مشارکت داشته باشد، خوشی واقعی خواهد داشت. اگر خوانندگان این رساله به مشارکت با خدا وارد شوند، آنگاه ایشان به همراه یوحنا **خوشی** مشارکت با خداوند را تجربه خواهند نمود. یوحنا می‌نویسد: **این را به شما می‌نویسم تا خوشی ما^۲ کامل گردد**.

۱- جسمانیت مسیح با جسمانیت دیگر انسانها متفاوت می‌باشد. مسیح پسر یگانهٔ خدای زنده می‌باشد. هرچند عیسی مسیح کاملاً و از هر جهت خدا بود، اما به صورت انسان به جهان خاکی آمد. پس او انسان کامل و خدای کامل است.

۲- در اینجا عبارت «خوشی ما» یعنی خوشی یوحنا و ایمانداران دیگر. در بعضی نسخه‌های خطی قدیمی، به جای «خوشی ما» عبارت «خوشی شما» آمده است که در اصل معنی آیه تغییر مهمی ایجاد

دیگران است. از این جهت برای یک مسیحی، **سلوک در نور** امری لازم و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. اگر در نور نباشیم و در تاریکی سلوک نماییم، دیگران را نخواهیم دید و ملاً قادر به محبت کردن و مشارکت ورزیدن با ایشان نخواهیم بود. اگر به خاطر تاریکی درونمان نتوانیم برادری را ببینیم، چگونه خواهیم توانست وی را مورد محبت قرار بدهیم؟

لذا پیش از مشارکت با دیگران، ابتدا باید با خداوند در مشارکت بود. و لازمه داشتن مشارکت با خدا، سلوک در نور خواهد بود (آیه ۶)، زیرا که خدا نور است (آیه ۵). چون خدا نور است، ما نیز باید در نور راه برویم، خدا کامل است و ما نیز باید کامل باشیم (متی ۵: ۴۸).

تا وقتی که در نور مسیح راه می‌رویم و نور قدوسیت خدا در قلوبمان جای داشته باشد، **خون... عیسی**، دائماً ما را از هر گناه پاک می‌سازد. به وسیله خون عیسی مسیح، یعنی به توسط مرگ وی بر روی صلیب و ایمان به عیسی مسیح، گناهان ما هر چند بی‌شمار و زشت هم بوده باشد، کاملاً بخشیده و پاک شده است. زیرا که مسیح برای نجات و بخشایش ما از گناهان مصلوب گردید.

۱ خدا مظهر پاکی و قدوسیت است. نزد وی هیچ گناه یافت نمی‌شود و به این خاطر هیچ گناهکاری قادر به ایستادن در مقابل خدا نیست. هر قدر که ما انسانها سعی و تلاش کنیم، قادر نخواهیم بود که خود را کاملاً از گناه و ناراستی پاک کرده لیاقت حضور مقدس وی را به چنگ بیاوریم. کلام خدا به ما می‌آموزد که: **خدا نور است و هیچ ظلمت در وی هرگز نیست** (آیه ۵). پاکی و نور خدا به حدی است که وی نمی‌تواند

نمی‌کند.

۳- عبارت یونانی را که به صورت «پاک می‌سازد» ترجمه شده می‌توان به فرار زیر نیز ترجمه کرد: «دائماً از هر گناه پاک می‌سازد».

مژده انجیل مسیح خوشی واقعی را همراه می‌آورد. مسیح فرمود: «این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۵: ۱۱).

راه رفتن در نور (۱:۵-۱۰)

۵ **خدا نور است**. در کتاب مقدس، «نور» نشانه قدوسیت و پاکی و عدالت است و تاریکی نشانه گناه و شرارت می‌باشد. زمانی که عیسی مسیح، پسر خدا به این جهان آمد، او نوری بود که در تاریکی این جهان درخشیدن گرفت (یوحنا ۱: ۵، ۹؛ ۱۹: ۳؛ ۱۲: ۸؛ ۱۲: ۴۶).
۶ مشارکت داشتن با خدا یعنی شناختن، دوست داشتن وی و فرزند او بودن. اگر واقعاً با خدا مشارکت داریم، در نور زندگی خواهیم کرد. آنانی که در تاریکی قدم بر می‌دارند، نمی‌توانند با خدا مشارکت داشته باشند. اگر کسی ادعا کند که با خدا مشارکت دارد و در عین حال در تاریکی زندگی کند، دروغگو است.

حقیقت، فقط مربوط به سخنان و گفتار شخص نیست، بلکه باید راه و روش زندگی یک ایماندار باشد. ما باید در راستی زندگی کنیم (یوحنا ۳: ۲۱ را مشاهده کنید). پرستش ما باید **در روح و راستی** باشد (یوحنا ۴: ۲۳). عیسی فرمود: «**من راه و راستی و حیات هستم**» (یوحنا ۱۴: ۶).

۷ زمانی که در **نور** راه می‌رویم، یعنی وقتی که با خدا مشارکت داریم، دو نتیجه عایدمان می‌گردد. اول اینکه به خاطر مشارکت با خدا، مشارکت با دیگر فرزندان خدا یعنی اهل بیت ایمان و ایمانداران دیگر خواهیم داشت و دیگر اینکه خون پسر خدا عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک خواهد ساخت.^۳

مشارکت با دیگران مستلزم محبت نمودن به همه ایمانداران می‌باشد (اول یوحنا ۴: ۷، ۱۱). نکته دیگر این است که مشارکت با دیگر ایمانداران، دیدن ایشان و دیده شدن توسط

بر گناه و ناپاکی نظر کند (حقوق ۱:۱۳).

در اول یوحنا ۱۹:۳، یوحنا می‌نویسد: **هر که از خدا مولود شده است، گناه نمی‌کند.** در زبان یونانی عبارت **گناه نمی‌کند** به این معنی است که شخص ایماندار دائماً در گناه زندگی نمی‌کند. چنین ایمان‌داری از کارهای بد خود شرمسار و آماده توبه است. مسیحی نباید عمداً در گناه زندگی کند. ولی اینجا در آیه ۸، می‌بینیم که یوحنا ی رسول می‌گوید که علی‌رغم سعی و کوششمان در جهت پاک زندگی کردن، گهگاه ممکن است که خطا و گناهی از فرد مسیحی سر بزنند. سیرت کهنه و گناه‌آلود یک ایماندار ممکن است او را موقتاً به گناه و لغزش گرفتار سازد، ولی یک ایماندار واقعی برای همیشه در گناه باقی نخواهد ماند.

دو آیه ۸ و ۹:۳ دوروی یک سکه می‌باشند و از یک حقیقت سخن می‌گویند. آیه ۹:۳ می‌گوید که مسیحی نباید در بند گناه باقی بماند، زیرا که مسیح و نه شیطان پادشاه ماست. پولس رسول می‌گوید: **زیرا این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم** (رومیان ۶:۶). پولس در ادامه همین صحبت اضافه می‌کند که: **همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انکارید اما برای خدا در مسیح زنده** (رومیان ۶:۱۱). در زندگی یک ایماندار، گناه هیچ قدرتی نخواهد داشت.

ولی علی‌رغم اینها، بنا به گفته آیه ۸، ما مسیحیان ممکن است که از روی نادانی، ضعف، اشتباه، و یا تخلف عمدی مرتکب گناهی بشویم. وسوسه‌های جدید، و گناهان تازه، هر روزه در مسیر زندگی ما قرار خواهد گرفت تا ما را بفریبد و به سوی خود بکشد. ما باید مرتباً از خدا طلب رحمت و بخشش کرده، از وی تقاضا نماییم که ما را پاک‌تر سازد. زمانی کاملاً از همه گناهانمان آزاد خواهیم شد که در بهشت و نزد عیسی زندگی کنیم^۴ (اول یوحنا ۳:۹،۶ و تفسیر

آن را مشاهده کنید).

۹ آیه ۹ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. همه انسانها، حتی ایمانداران گناه می‌کنند و لذا همه ما باید مرتباً به سوی خدا بازگشت کرده از وی تقاضا کنیم که **ما را از هر ناراستی پاک سازد.** یوحنا در آیه ۷ به ما خاطر نشان ساخت که خدا به وسیله خون پسر خود، عیسی مسیح، ما را از گناهانمان پاک می‌سازد. ولی این چگونه امکان‌پذیر است. وظیفه ما چیست؟ این بخشایش و پاکی به چه شکل حاصل می‌گردد؟ جواب یوحنا ی رسول ساده و واضح است. قبل از هر چیز باید به گناهان خود اعتراف نماییم. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، خدا ما را خواهد بخشید، چه وعده‌گرانبها و عزیزی!

لذا یک فرد ایماندار نباید در یأس و ناامیدی مطلق زندگی کند. البته لازم است که به خاطر گناهان خود ماتم بگیریم (متی ۴:۵) ولی نباید از شفقت و رحمت خدا دل‌سرد و نومید شد. در رحمت خدا همیشه باز است و همیشه اسباب دریافت بخشایش و پاک شدن از گناه وجود دارد.

نکته دیگر این است که ما باید منظور یوحنا را از **اعتراف** به گناهان، درک کنیم. اعتراف صرفاً یک عمل ظاهری نیست. بلکه یوحنا درباره توبه سخن می‌گوید. گشودن زبان و گفتن «من گناهکارم» کافی نیست. توبه و اعتراف ما باید در عمل دیده شود. باید رویه قلبی ما نسبت به گناه تغییر کند و همانطور که خدا از گناه متنفر است ما نیز باید با او یک زبان شویم و از اعمال زشت خود احساس تنفر و انزجار نماییم.

۴- برخی از مسیحیان به این باورند که پاکی و آزادی مطلق از گناه را در این جهان خاکی می‌توان حاصل نمود. ولی اکثریت متفکران مسیحی معتقدند که ما طعم شیرین قدوسیت را در بهشت خواهیم چشید. جهت مطالعه بیشتر مقاله عمومی: «روح‌القدس» را مشاهده کنید.

بی‌اهمیت می‌داند. در زندگی اینگونه افراد، کلام خدا (کتاب مقدس) و عیسی مسیح (کلمه زنده خدا)، هیچ جایی ندارد.

وجدانهای ما به گناهکاری ما گواهی می‌دهند. هر کس که با قلب و وجدان خود صادق باشد، به گناهکاری و تقصیرات خود پی خواهد برد و به آنها اعتراف خواهد نمود. بیاید گوشهای جان خود را به سوی صدای خداوند متمایل گردانیم و کلام او را بشنویم. زیرا اگر کلام خدا را در زندگی و دل خود راه ندهیم، نتیجه آن خواهد شد که درهای قلب خود را به سوی خدا خواهیم بست و خدا را از زندگی خود خارج خواهیم کرد.

باب ۲

اطاعت از احکام خدا (۲:۱-۶)

۱ چنانکه در ۹:۱ دیدیم، یوحنا می‌نویسد اگر به گناهان خود اعتراف نماییم، خدا ما را خواهد بخشید و ما را از هر ناراستی پاک خواهد نمود. ولی ممکن است عده‌ای به غلط این تعلیم را به عنوان مجوزی جهت گناه کردن تلقی کرده، با خود بگویند که «اینک جای نگرانی وجود ندارد و هر زمان که خواستم و گناهی مرتکب شدم، کافی است که به آن اعتراف کنم و خدا مرا پاک خواهد ساخت!» یوحنا رسول که به خوبی از خطر چنین برداشت اشتباهی آگاه می‌باشد، نکته مورد بحث را روشن‌تر می‌سازد. هدف یوحنا از نوشتن این رساله، تشویق ایمانداران به گناه کردن نیست! بلکه او می‌خواهد که ایمانداران به مسیح زندگی مقدس و پاکی داشته باشند.

یوحنا می‌گوید، **این را نوشتیم تا شما گناه نکنید** ولی اگر مرتکب گناهی شدید، نماینده و وکیل مدافعی به نام عیسی مسیح نزد پدر داریم که به دفاع و جانب‌داری از ما بر خواهد خاست. عیسی بهترین مدافع یک ایماندار است. زیرا که عیسی، ما انسانها را تا حد مرگ، محبت نموده

در اینجا باید این نکته را خاطر نشان ساخت که در هنگام اعتراف، باید تک‌تک گناهانمان را به حضور خدا آورده از تمام کارهای بد خود توبه نماییم و به خاطر آنها از خدا طلب آمرزش کنیم. صرف اینکه بگوییم ما گناهکاریم کافی نیست! بلکه لازم است که از تمام کارهای بد خود به طور مشخص و انفرادی اعتراف کرده و از آنها توبه کنیم.

یوحنا می‌گوید: **او امین و عادل است.** مقصود او از این عبارت چیست؟ خدای پدر یک بار و برای همیشه پسر حبیبش عیسی مسیح را به جهت گناهان ما تنبیه نمود. اگر به عیسی مسیح و کار او بر صلیب ایمان بیاوریم و هدیه فیض و بخشش رایگان او را دریافت نماییم، دیگر خدا ما را به سبب اعمال گذشته‌مان تنبیه نخواهد نمود. زیرا مجازات مکرر، از عدالت خدا به دور می‌باشد. خدا عادل است و هیچ کس را بیش از یک بار تنبیه نخواهد نمود. خداوندمان عیسی مسیح را سپاس بی‌حد باد که او به جای ما مجازات شد تا اینکه ما از داوری عدل خدا نجات پیدا کرده از بند ملامت و تقصیر رها شویم. اگر او بخواهد ما را دوباره تنبیه کند دیگر **امین و عادل** نخواهد بود (رومیان ۳:۲۲-۲۶ را مشاهده کنید).

۱۰ بعضی افراد ادعا می‌کنند که هرگز گناهی مرتکب نشده‌اند، این گونه اشخاص فی الواقع خدا را دروغگو می‌شمارند، زیرا که خداوند در کلام مقدس خویش می‌فرماید که **همه گناه کرده‌اند** (رومیان ۳:۱۰-۱۲). خدای پدر پسر یگانه و بی‌گناه خود را به جهان فرستاد تا قربانی گناهان ما گردد. اگر گوییم که گناه نکرده‌ایم، در واقع کار عیسی مسیح را ناچیز شمرده‌ایم و محبت خدا را نادیده گرفته‌ایم. کسی که خود را بی‌گناه می‌شمارد، از کلام خدا بی‌خبر است و از ارزش خون مسیح بی‌اطلاع می‌باشد. چنین شخصی حکم خدا مبنی بر گناهکاری خود را دروغ شمرده است و کار عظیم عیسی مسیح را

اینست که در دادگاه عدل خداوند، عیسی مسیح را به عنوان وکیل مدافع، نجات دهنده، دوست و محبوب خود داریم که دائماً از ما در حضور خدای پدر شفاعت می‌کند.

۳-۴ اطاعت از مسیح، دقیقاً مانند راه رفتن در نور (اول یوحنا ۱:۷) می‌باشد. تا وقتی که احکام خدا را اطاعت می‌کنیم، در نور سلوک خواهیم کرد و قادر به دیدن و شناختن مسیح خواهیم بود. ولی به مجرد سرپیچی از احکام خداوند، خود را به حیطة ظلمت می‌اندازیم و توانایی شناختن و دیدن مسیح از ما سلب خواهد شد. هستند کسانی که ادعای ایمان به مسیح می‌کنند ولی اعمالشان اعمال تاریکی و ظلمت و تمرد و سرپیچی از احکام مسیح است. اینها ایمانداران دروغین می‌باشند. آنها به گناهان خود اعتراف نمی‌کنند و در نتیجه عفو الهی را تجربه نخواهند نمود و لاجرم در ظلمت گناه خود باقی خواهند ماند.

۵-۶ اگر به کلام خدا ایمان آورده انجیل را اطاعت کنیم، محبت او در ما کامل خواهد شد. عیسی مسیح کلیه احکام خدا را در این جمله خلاصه می‌کند: «**خداوند خدای خود را به تمامی دل و جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما**» (مرقس ۱۲:۳۰). مشاهده می‌کنیم که اطاعت از احکام خدا، یعنی محبت کردن و عشق ورزیدن به او (یوحنا ۱۴:۱۵، ۲۱؛ اول یوحنا ۵:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

زمانی که از احکام خدا اطاعت کنیم، او به نزد ما خواهد آمد و در پیش ما مسکن خواهد گزید (یوحنا ۱۴:۲۳). خداوند در درون قلب ما خواهد بود و ما در او زیست خواهیم نمود، او ما را از حضور خویش آگاه خواهد ساخت و ما را در محبت خود باقی نگاه خواهد داشت (یوحنا ۱۵:۱۰).

حکمی تازه (۱۷-۷:۲)

۷ در آیه ۶ یوحنا رسول می‌گوید که ما

است. او خود انسان شد تا تمامی ضعفهای ما را درک کند و همدرد ما شده، بتواند ما را در تجربیات و مسائلمان یاری دهد (عبرانیان ۲:۱۷-۱۸؛ ۴:۱۵).

عیسی بهترین مدافع و شفیع ماست. او وکیل عادل ما می‌باشد؛ و از آنجا که او عادل است، می‌تواند در مقابل پدر (قاضی عادل) ایستاده، از ما شفاعت کند. عیسی مسیح دائماً در حضور پدر برای آنانی که به او ایمان آورده‌اند شفاعت می‌کند (رومیان ۸:۳۴، عبرانیان ۷:۲۵).

۲ در دادگاه، وکیل مدافع همیشه جانب متهم را گرفته، سعی می‌کند به دادگاه و به قاضی نشان دهد که متهم بی‌گناه است و تقاضای برائت و تخفیف در مجازات نماید. ولی وکیل ما، عیسی مسیح در مقابل خدای پدر، یک چنین شیوه‌ای در پیش نمی‌گیرد. او به پدر می‌گوید: «این متهم گناهکار است!» او به پدر می‌گوید: «این متهم سزاوار مجازات و مرگ و عذاب ابدی می‌باشد!» ولی اضافه می‌کند که: «علی‌رغم تقصیرش، من به جای او مجازات اعدام را قبول کرده‌ام. من به جای او طعم دوزخ را چشیده‌ام، من بهای گناه او را پرداخت کرده‌ام. من خونهای جرم و گناه او را پرداخت نموده‌ام» (رومیان ۳:۲۳-۲۵).

یوحنا به ما اطمینان می‌دهد که عیسی کفاره گناهان ما می‌باشد. عیسی کفاره به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بجهت تمام جهان نیز است. این بدان معنی است که بهای گزافی که مسیح بر بالای صلیب پرداخت، جهت رفع گناهان همه جهان کافی می‌باشد. هر کس که به عیسی ایمان آورد بخشیده خواهد شد (یوحنا ۱:۲۹؛ اول یوحنا ۴:۱۰).

هر زن و مردی که بر صحنه این جهان پا نهاده گناهکار و سزاوار مرگ و عقوبت ابدی است. ما ایمانداران باید این حقیقت را مرتباً و به همه اعلام نماییم. ولی در کنار این خبر بد، حقیقت دیگری را نیز باید به ایشان خبر داد و آن

برادران نیز به مثابه سلوک در ظلمت می‌باشد. زمانی که در نور راه می‌رویم، راه خود را خواهیم دید و لغزش نخواهیم خورد. نور نخواهد گذاشت که تاریکی گناه بر ما تسلط یابد.

به گفته یوحنا رسول، ظلمت گناه، چشمان کسی را که از برادر خود نفرت می‌کند، کور کرده است (آیه ۱۱). ظلمت گناه، همیشه چشمان قربانیان خود را نابینا می‌سازد. شیطان می‌خواهد که ما کور باشیم. او منتهای سعی خود را به کار می‌برد تا ما را نسبت به نور خدا کور کرده، ما را در ظلمت نگاه دارد. ابلیس نمی‌خواهد که ما نقشه‌های شوم را ببینیم و از آنها مطلع شویم. از همه مهم‌تر، او نمی‌خواهد که چشمان ما باز شده، عیسی را ملاقات کنیم.

۱۲ یوحنا، خوانندگان خود را با عنوان **ای فرزندان خطاب می‌کند**. زمانی که یوحنا رسول این رساله را نگارش می‌کرد در حدود نود سال از عمر او می‌گذشت؛ پس در نظر رسول پیر مسیح همه افراد کلیسا مانند فرزندان عزیز وی می‌باشند.

یوحنا رسول بار دیگر این حقیقت مهم را به یاد کلیسا می‌آورد که گناهان ایشان به خاطر اسم او (عیسی مسیح) آمرزیده شده است. این سخن بدان معنی است که زمانی که فرد به عیسی مسیح و به نام او ایمان می‌آورد، گناهان او آمرزیده خواهد شد. دریافت بخشش و پاک شدن از گناهان، اولین برکتی است که از ایمان به مسیح نصیب ایماندار می‌گردد. اطمینان از دریافت بخشش و مصالحت با خداست که مایه قوت ایمانداران در طول سفر عمر می‌گردد.

۱۳ مقصود از **پدران ایمانداران بالغ** می‌باشد، اینها کسانی هستند که به وسیله تجربه طولانی ایمان، عیسی را که از ابتدا بوده است، می‌شناسند. این به آن معنا نیست که مخاطبین یوحنا، عیسی را با چشمان خود دیده‌اند بلکه منظور یوحنا این است که ایشان از طریق ایمان، او را شناخته‌اند.

مسیحیان بایستی مانند عیسی رفتار کنیم و به طریق او سلوک نماییم. رفتار عیسی چگونه بود؟ **حکم کهنه** مورد بحث همانا فرمان خدا مبنی بر محبت کردن به خدا و همسایه خود می‌باشد. عیسی مسیح از ابتدای کار به این «حکم کهنه» موعظه می‌نمود. از دیرباز ایمانداران مسیحی می‌دانستند که حکم خدا چیست (مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱). به گفته یوحنا، آن حکم کهنه یا قدیمی، همان کلام خداست که از مدت‌ها پیش به ایشان تعلیم داده شده بود. همه تعالیم و احکام دیگر بر پایه محبت، قرار داده شده است (متی ۲۲: ۴۰).

۱ اینک یوحنا **حکم تازه** به کلیسا می‌نویسد. این حکم را مسیح در شب قبل از مصلوب شدن خود به شاگردان خود فرموده بود. و حکم این است: **«یکدیگر را محبت کنید، چنانکه من شما را محبت نمودم»** (یوحنا ۱۵: ۱۲). عیسی مسیح این فرمان را **حکم تازه** نامید (یوحنا ۱۳: ۳۴).

محبت مسیح گونه، لازمه زندگی مسیحی می‌باشد. یوحنا رسول از ما می‌خواهد که مانند مسیح زندگی و محبت کنیم. یوحنا رسول، محبت مسیح را به چشم خود دیده بود و با گوش خود شنیده بود و آن را تجربه کرده بود. او دیده بود که چطور عیسی به خاطر محبت به جهان، جان خود را بر بالای صلیب قربانی ساخت و دریافته بود که محبت حقیقی در مسیح یافت می‌گردد. یوحنا می‌گوید محبت واقعی و حقیقی در مسیح دیده خواهد شد. اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از نور عیسی منور خواهد گردید و زمانی که نور مسیح در دل ایمانداران بتابد، ایشان قادر به محبت کردن به دیگران خواهند بود. زیرا جایی که نور مسیح باشد، تاریکی ناگزیر به فرار خواهد بود (یوحنا ۱: ۴-۵، ۹).

۹-۱۱ به همان طریقی که محبت به برادران نشانه راه رفتن در نور است، تنفر از

۱۵ دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید. منظور از دنیا، ملکوت ظلمت است؛ و مقصود از آنچه در دنیاست، در حقیقت شهوت جسم، خواهش چشم و غرور زندگانی می باشد (آیه ۱۶). غیرممکن است که خدا و دنیا را با هم و به یک اندازه دوست داشت. زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست.

ولی در این آیه یک حقیقت مهم تر نیز نهفته است. خداوند ما جهان و همه نعمات نیکویی را که در این جهان موجود است، آفریده است. اینها همگی هدیه پدر آسمانی ما به ما می باشند. خداوند مهربان، این عالم را به ما هدیه نموده است و باید که با شکر و شادی (بی آنکه اسراف و حیف و میل کنیم)، از نعمات و برکات خداوند استفاده نمود. در عین حال باید مواظب بود که خوبیهای این جهان، محبت ما را به خود جلب نکند. قلب ما باید کاملاً متعلق به خداوند عاظمی نعمات باشد و نه به عطایای این جهان! به طور مثال، پول را در نظر بگیرید. پول به خودی خود شریر نیست، ولی محبت به پول و پول پرستی و مال دوستی، گناه است. یا اینکه استراحت برای بدن ما لازم و حیات بخش است، ولی دوستی آن منجر به راحت طلبی و تنبلی خواهد شد که بد و گناه است. یا مثلاً کار کردن و تلاش معاش بسیار خوب و جهت داشتن یک زندگی پاک لازم می باشد. ولی دوستی کار، و تلاش بی جا و بیش از اندازه، به حرص و شهوت جمع آوری مبدل خواهد شد باعث ویرانی زندگی انسان خواهد گردید. با توجه به مثالهای بالا می توان نتیجه گرفت که خدا از ما می خواهد که توجه خود را به جای نعمات و هدایای این جهان به اعطاء کننده آنها (خدا) معطوف بداریم^۵ (متی

مقصود یوحنا از **جوانان** افراد تازه ایمان می باشد که بر **شریر غالب** شده اند. ایشان از ملکوت ظلمت نجات پیدا کرده اند و به ملکوت نور وارد گردیده اند.

از آنجا که سخنان یوحنا خطاب به **پدران** و **جوانان** و **بچه ها** است، پس به همه ایمانداران مربوط می گردد، لذا نباید هر دسته از سخنان را مختص یک گروه سنی خاص دانست.

۱۴ یوحنا رسول در اینجا دو نکته مهم دیگر به آنچه که قبلاً در آیه ۱۳ نوشته بود اضافه می کند. و آن این است که اولاً جوانان در ایمان توانا می باشند و ثانیاً دلیل توانایی ایشان این است که کلام خدا در آنها ساکن می باشد و به همین خاطر بر شریر غلبه یافته اند. حقیقت اول این است که ایمانداران توانا می باشند. ما در خداوند توانایی هر چیز را داریم (فیلیپان ۴:۱۳). ایمانداران باید اسلحه تام خدا را برداشته و با توانمندی در مقابل شریر بایستند (افسیسیان ۶:۱۰-۱۱). حقیقت دوم این است که جوانان ایماندار توانا می باشند زیرا که کلام خدا را در دل دارند. کلام خدا همانا انجیل عیسی مسیح است که در واقع اسلحه روحانی ما **شمشیر روح** در مقابله با شیطان می باشند (افسیسیان ۶:۱۷).

منظور از **کلمه خدا** نیز عیسی مسیح می باشد. هنگامی که مسیح، کلمه زنده خدا در ایماندار ساکن گردد، هر چیزی که از او (خدا) طلب نماییم، بجا خواهد آورد (یوحنا ۱۵:۷). پس بیایید هر روزه از خدا بخواهیم که ما را ببخشد و از هر گناه پاک کند (آیه ۱۲). بخواهیم که بر شریر غلبه پیدا کنیم (آیه ۱۳). تا اینکه در ایمان توانا گردیم و کلام او در ما بماند (آیه ۱۴). بیایید هر روزه از خدا بخواهیم که ما را به اطاعت از فرامین الهی راغب تر و توانا تر کند، تا اینکه از نور او منورتر شده، از دانش او برخوردار شویم و از محبت خدا مملو گردیم. وعده عیسی مسیح این است که تمامی این خواسته ها بر ایمان کرده شود!

۵- البته بر ما لازم است که همسایه خود را نیز محبت نماییم، ولی محبت خدا در مرحله اول اولویت قرار دارد. با دوست داشتن خدا و عشق ورزیدن به

۳۷:۱۰؛ مرقس ۳۰:۱۲؛ لوقا ۲۶:۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

این دنیا، ملکوت ابلیس می‌باشد (یوحنا ۳۱:۱۲؛ اول یوحنا ۵:۱۹). این جهانی است که خدا آن را محبت نمود و پسر خود را برای آن داد (یوحنا ۳:۱۶). عیسی به این جهان آمد تا آن را از تسلط شیطان و گناه نجات بخشد. این جهانی است که قادر به شناختن و دریافتن عیسی نبود (یوحنا ۱:۱۰). و بالاخره این دنیا، تا زمان بازگشت مسیح و انجام گرفتن داوری نهایی، در تاریکی و ظلمت باقی خواهد ماند. **نور در جهان آمد و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست داشتند، از آنجا که اعمال ایشان بد است** (یوحنا ۱۹:۳).

هشدار در رابطه با دجال (۲۹-۱۸:۲)

۱۸... این ساعت آخر است. یعنی اینک زمان آخر (ساعت آخر) که در انتظارش بوده‌اید رسیده است. ساعت آخر، با میلاد مسیح و آمدنش به این جهان شروع شد و با بازگشت ثانوی او به جهان، پایان می‌پذیرد. به این گونه تمامی تاریخ بشر را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود، دوره قبل از میلاد مسیح و وقایعی که پس از میلاد مسیح به وقوع پیوسته است. حتی تقویم بسیاری از ممالک عالم نیز از این اصل پیروی نموده و تاریخ را به دو قسمت قبل از میلاد و بعد از میلاد گروه‌بندی می‌نمایند. این ساعت آخر، تاکنون نزدیک به دو هزار سال طول کشیده است.

قبل از رجعت مسیح، **دجال**^۶ به این جهان

اوست که محبت او در ما جا خواهد گرفت و از ما جاری خواهد شد. با محبت خدا است که خواهیم توانست دیگران را مورد مهر و محبت قرار دهیم (مرقس ۳۱:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۶- دجال دشمن بزرگ و قوی مسیح است که کمی پیشتر از ظهور ثانوی مسیح، در این جهان ظاهر خواهد شد. بسیاری از مفسرین کتاب مقدس معتقدند که دجال، همان «مرد شریر و فرزند هلاکت» و «آن بی‌دین» است که پولس رسول در رساله دوم به تسالونیکیان ۲:۱-۱۲ به او اشاره می‌کند. دجال، نماینده شیطان است و به گفته یوحنا رسول، برای خود مأمورانی دارد که همان انبیاء و معلمان دروغین می‌باشند که هم‌اینک در جهان و در میان ما حاضر هستند.

۱۶ در اینجا، یوحنا رسول سه مورد از خصوصیات دنیا و ملکوت ظلمت را برای ما مثال می‌زند. اینها چیزهایی هستند که یک مسیحی باید از آنها برحذر باشد و از آلوده شدن به آنها خودداری ورزد. اولین کشش دنیا، **شهوت جسم** از قبیل تمایلات جنسی، راحت‌طلبی، لذت‌خواهی و بندگی جسم و شکم است. دومین بدی موجود در این جهان، **خواهش چشم** است. خواهش چشم حرص و طمع ورزیدن است. آنانی که در بند دنیا هستند، بنده خواهشهای چشم خود می‌گردند و مدام در پی خواسته‌های چشم خود می‌دوند. سومین چیزی که در دنیاست و از پدر نیست، غرور زندگانی می‌باشد. غرور شدن به چیزهایی که انسان دارد و به قوت و تواناییهای شخصی خود بالیدن، اخلاقی شایسته یک فرزند خدا نمی‌باشد. غرور زندگانی، شخص را وا می‌دارد که در پی مقام و ثروت و شهرت و جاه و منزلت بر آمده، آنها را تکیه‌گاه خود قرار دهد و به جای ایمان و اعتماد به خدا، به خود و آنچه دارد، اعتماد کند.

۱۷ **دنیا و شهوات آن در گذر است**، پس چرا دیگر جهان‌گذرا را مایه اعتماد خود قرار دهیم؟ **لکن کسی که به اراده خدا عمل می‌کند، تا به ابد**

مسیحیان ایماندار تحریر شده است. ولی مسیحیان نیز ممکن است که فریب معلمان دروغین را خورده، گمراه گردند. این گونه تعالیم دروغ هرگز از طرف خدای راستیها نیست.

۲۲ بزرگ‌ترین دروغ چیست؟ بزرگ‌ترین دروغ این است که بگوییم که عیسی، مسیح و منجی عالم و پسر یگانه خدا نیست. انکار حقانیت مسیح، در حقیقت انکار نمودن حقانیت خداست (متی ۱۱: ۲۷، یوحنا ۹: ۱۴-۱۰؛ دوم یوحنا ۷).

۲۳ ... و کسی که اعتراف به پسر نماید، پدر را نیز دارد (اول یوحنا ۴: ۱۵ را مشاهده کنید). فقط به وسیله شناختن پسر است که می‌توان پدر را شناخت (یوحنا ۱: ۱۸). هیچ کس هرگز قادر به آمدن به نزد خدا نخواهد بود مگر به وسیله پسر (یوحنا ۱۴: ۶). راههای بسیاری هستند که نظر به بهشت و خدا دارند ولی فقط یکی از آن طریق است که به خدا می‌رسد و آن راه، عیسی مسیح است. عیسی مسیح فرمود: «من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید» (یوحنا ۱۴: ۶). در هیچ کس غیر از او نجات نیست. زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشد که بدان ما نجات یابیم (اعمال ۴: ۱۲).

۲۴ و اما شما آنچه از ابتدا شنیدید که همانا کلام خدا باشد، در شما ثابت بماند. اگر کلام خدا در ما نماند، مسیح در ما ساکن نخواهد بود و ما در او نخواهیم ماند. نتیجه دور افتادن از مسیح این خواهد شد که ما نیز شبیه همان معلمان کذبه‌ای که در آیات ۱۸-۱۹ ذکرشان رفت، خواهیم شد. اگر در مسیح و کلام او نمانیم، میوه نخواهیم آورد و خشک خواهیم شد و فقط به درد بریده شدن و سوختن خواهیم خورد

خواهد آمد (دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۸، ۴؛ اول یوحنا ۴: ۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی پیش از آنکه دجال اعظم و اصلی پدیدار گردد، در طول تاریخ کلیسا، بسیاری دجالهای دیگری به ضد مسیح برخاسته و بر علیه وی قد علم نموده‌اند (مرقس ۵: ۱۳-۶، ۲۱-۳۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اینها معلمان دروغینی می‌باشند که باتعالیم دروغ خود سبب گمراهی مردم می‌شوند.

۱۹ معمولاً، این معلمان و دجالها از درون کلیسا برخاسته و از درون باعث فساد می‌گردند. اینها از درون کلیسا بیرون آمده‌اند، زیرا در کلیسا جایی جهت تعالیم دروغ ایشان وجود ندارد. اینها در ظاهر مانند دیگر ایمانداران هستند، ولی یوحنا می‌گوید که ایشان هرگز ایمان حقیقی را دریافت ننموده‌اند. آنها هرگز جزیی از کلیسا و بدن مسیح نگردیده بودند. این معلمان دروغین، هرگز مسیحی واقعی نشده بودند.

بسیاری از مسیحیان از آیه فوق برای این تعلیم استفاده می‌کنند که می‌گوید اگر کسی از ایمان برمی‌گردد در واقع او از ابتدا مسیحی نبوده است. زیرا که ایماندار واقعی محال است که ایمان خود را از کف داده، منکر مسیح گردد.^۷

۲۰ ایماندار واقعی از آن قدوس (مسیح) می‌باشد. او مسح را یافته است. ایمانداران به مسیح، به وسیله روح القدس مسح گردیده‌اند. عیسی مسیح، کسانی را که به او ایمان آورده باشند لمس خواهد کرد و به آنها روح القدس را خواهد بخشید. روح القدس، روح راستی است (یوحنا ۱۴: ۱۷). با کمک شهادت روح القدس، حقیقت را خواهیم دانست (یوحنا ۱۴: ۲۶). پس یک ایماندار واقعی به مسیح، هرگز دروغ را به دیگران نخواهد آموخت.

۲۱ خوانندگان این رساله، از این حقیقت با اطلاع می‌باشند. هدف یوحنا از نگارش این رساله به آنها، این نیست که آنها را از حقیقت مسیح با خبر سازد. این رساله خطاب به

۷- برای مطالعه بیشتر در این مورد مقاله عمومی:

«آیا ممکن است نجات خود را از دست بدهیم؟» را مشاهده کنید.

پیش خود فکر کنند که «من بی اطلاع و نادانم و قادر به ارائه هیچ خدمتی به خدا نیستم». هرگز این حرف را ننزید! کلام خدا را بخوانید و آن را از دهان معلمان و خادمین خدا بشنوید و دائماً در آن تفکر کنید و ایمان داشته باشید که روح القدس، آنچه را که برای پیروی از مسیح لازم است به شما تعلیم خواهد داد. در نظر خدا، هیچ کس بی ارزش و غیر قابل تعلیم نیست.

لذا یوحنا می گوید، بگذارید کلام خدا در شما ساکن شود. اجازه بدهید که مسح روح القدس در شما بماند. جد و جهد کنید که در مسیح بمانید و از او تعلیم بگیرید.

۲۸ الان ای فرزندان در او ثابت بمانید. به جرأت می توان گفت که تعلیمی از این مهم تر در کتاب مقدس وجود ندارد. زیرا اگر در او ثابت نمایم، به هنگام ظهورش (در زمان بازگشت ثانوی مسیح)، از او خجل خواهیم شد. اگر در مسیح ثابت نمایم، در آن روز خداوند به ما خواهد گفت: «هرگز شما را نشناختم!» (متی ۲۳:۷).

اما اگر در مسیح ثابت بمانیم، در هنگام ظهورش از او خجل نخواهیم گشت. اگر او در ما ساکن شود و مادر مسیح ثابت بمانیم، بی هیچ شک و شبه ای خواهیم دانست که از نجات یافتگان هستیم. و در روز داوری، زمانی که در مقابل تخت داوری او قرار بگیریم، مسیح به ما خواهد گفت: «آفرین ای غلام نیک مندی!» (متی ۲۱:۲۵).

اگر مسیح امروز به این جهان بازگردد به من و شما چه خواهد گفت؟ آیا قادر خواهیم بود که با اعتماد و بی آنکه خجل شویم، در مقابل او بایستیم؟

۲۹ چگونه می توان یک مسیحی واقعی، یک فرزند حقیقی خدا را شناخت؟ جواب یوحنا این است: هر که عدالت را به جا آورد، از وی تولد یافته است. خدا عادل است و در نتیجه،

(یوحنا ۷:۴-۱۵) را مشاهده کنید). ولی اگر آنچه که شنیدیم (کلام خدا) در ما بماند، ما در پسر و در پدر ثابت خواهیم ماند. کسی که در پسر بماند در خدای پدر نیز باقی خواهد ماند. بیایید همیشه یکدیگر را در ماندن در کلام و مسیح تشویق نماییم تا در کلامی که شنیده ایم و در خدایی که کلامش را به ما بخشیده است ثابت بمانیم.

۲۵ آنهایی که در مسیح می مانند و مسیح در ایشان ساکن است، حیات جاودانی را دریافت خواهند نمود (یوحنا ۱۴:۴، ۴۰:۶) را مشاهده کنید).

۲۶ یوحنا این آیه را به ما می نویسد تا از وعده حیات جاودانی غافل نشویم. بیایید این وعده مبارک را با جان و دل بپذیریم و فریب معلمان گمراه کننده را نخوریم.

۲۷ آن مسح که از او یافته ایم همان روح القدس می باشد که عیسی مسیح به ایمانداران خود بخشیده است. یوحنا به خوانندگان خود می گوید که این مسح در ایشان ثابت است. سپس ادامه می دهد: **حاجت ندارید که کسی شما را تعلیم دهد.** منظور یوحنا چیست؟ مقصود وی این است که راهنما و معلم اصلی یک فرد مسیحی، روح القدس است. البته خداوند از معلمانی که از روح پُر می باشند، جهت تعلیم و تربیت کلیسای خود استفاده خواهد کرد (افسیان ۱۱:۴). پس هر تعلیم صحیح از سوی خدا و به وسیله روح القدس است. این تعالیم یا به طور مستقیم از سوی خدا می آید و یا اینکه به طور غیر مستقیم به وسیله خواندن کلام و یا شنیدن کلام از معلمان پُر از روح القدس، به کلیسا آموخته می شود.

عیسی مسیح فرمود: «... روح القدس که پدر او را به اسم من می فرستد، ... همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد» (یوحنا ۱۴:۲۶). پس مسیحیان محتاج تکیه بر حکمت بشری نخواهند بود. ممکن است که بعضی مسیحیان

باب ۳ فرزندان خدا (۱:۳-۱۰)

۱ چه هدیه عظیمی پدر به ما داده است! این حقیقت، مرکز ثقل انجیل مسیح است. خدا انسانها را دوست می‌دارد. او می‌خواهد که همه افراد بشر از مرد و زن نجات یابند و فرزندان او گردند (یوحنا ۳:۱۶ را مشاهده کنید). این پیام منحصر به فرد مسیحیت را در هیچ مذهب دیگری پیدا نخواهید کرد. به همین دلیل است که تنها امید حقیقی عالم را در انجیل مسیح و مسیحیت یافت خواهید نمود. هیچ مذهب دیگری و هیچ مکتب دیگری چنین امید نجات و حیات جاودانی به بشریت غرق در گناه پیشکش نمی‌کند. تنها، انجیل است که بشریت را به بهشت و حیات جاودانی رهنمود می‌گردد. و تنها انجیل است که کلام زنده خدای زنده می‌باشد.

محبت خدا در این حقیقت آشکار می‌گردد که ما فرزندان خدا خواهیم گشت. به وسیله انجیل مسیح، ما فرزندان خدا هستیم (یوحنا ۱:۱۲؛ غلاطیان ۳:۲۶، ۴:۷ را مشاهده کنید).

هرگز به این حقیقت شک نکنید! شیطان مرتباً سعی می‌کند که در قلب ما نسبت به این حقیقت شک ایجاد کند و خوشی واقعی اولاد خدا بودن را از ما بگیرد. به ما می‌گوید: «تو گناهکار بی‌ارزشی هستی و هرگز نمی‌توانی فرزند خدا گردی!» ولی این دروغ است. ما به خاطر خون عیسی مسیح از همه ناراستیها پاک شده‌ایم (اول یوحنا ۱:۷). بیایید به دروغهای شیطان گوش ندهیم.

درک این حقیقت که چگونه ممکن است که افراد بی‌لیاقت و آلوده به گناهی چون ما فرزندان خدا شوند و وارث ملکوت بهشت گردند، برای جهان بی‌ایمان مشکل و حتی غیر قابل قبول است. جهان قادر به پذیرفتن این وعده نمی‌باشد. ولی به یاد بیاوریم که جهان، یعنی انسانهای بی‌ایمان، مسیح را نیز نپذیرفتند

هر کسی که از او متولد شده باشد، اعمال عدالت را به جا خواهد آورد. به عبارت دیگر، هرکس که عادل باشد و اعمال عدالت را به جا آورد، از خدا متولد گردیده است. زیرا که تولد تازه و به جا آوردن اعمال عدالت، لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند.

منظور یوحنا از این سخن که هرکس که از خدا مولود شده است عدالت را به جا خواهد آورد چیست؟ به جا آوردن عدالت، یعنی ایمان داشتن به عیسی مسیح و اطاعت از احکام او. مسیح عادل است و احکام او عدل می‌باشد. زمانی که شخص از احکام مسیح پیروی کند و آنها را اجرا نماید، عادل شمرده خواهد شد (اول یوحنا ۳:۷). نتیجه می‌گیریم که همه کسانی که به مسیح ایمان آورده‌اند و از احکام او پیروی می‌کنند، فرزندان عادل خدا محسوب خواهند شد.

تولد تازه و مولود شدن از خدا، یعنی اینکه انسان از لحاظ روحانی به وسیله روح القدس متولد گردد (یوحنا ۳:۵، ۳:۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید). تولد تازه به این معنی نیست که شخص سعی کند با انجام کارهای خوب و عام‌المنفعه، و یا پیروی از دستورات و اعمال دینی، خود را روحانی و فرزند خدا بسازد. طبیعت گناه‌آلود انسانی، هرگز قادر به نجات دادن و روحانی ساختن خود نیست. طبیعت کهنه و گناهکار ما، قادر نیست که خود را فرزند خدا سازد. انسان گناهکار، نمی‌تواند خود را روحانی بسازد. اولین کاری که روح القدس در زندگی ما انجام می‌دهد، کشتن انسانیت کهنه و زنده ساختن خلقتی نو می‌باشد (رومیان ۶:۶، دوم قرنتیان ۵:۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). انسانی که از خدا تولد یافته است، به وسیله روح القدس رفتار و زندگی می‌کند (غلاطیان ۵:۱۶ و ۲۵). همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، ایشان پسران خدا آیند (رومیان ۸:۱۴).

(یوحنا ۱:۱۰). و به طریق اولی نیز ما را نخواهند پذیرفت (یوحنا ۱۵:۱۸-۲۱).

۲ لکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود ... یعنی زمانی که عیسی برای بار دوم به این جهان بازگشت نماید، مانند او خواهیم بود. هر چند که ما الان فرزندان خدا هستیم ولیکن هنوز کاملاً مانند مسیح پاک و مملو از محبت نگردیده‌ایم. ولی زمانی که مسیح با جلال خود بازگردد و او را ملاقات کنیم هم‌شکل او خواهیم شد. انسانیت کهنه ما عوض خواهد شد و شبیه او خواهیم گردید. جلال او در ما و به وسیله ما منعکس خواهد شد و از طریق ما منتشر خواهد گردید (یوحنا ۱۷:۲۴؛ دوم قرن‌تین ۳:۱۸).

۳ منظور یوحنا از این امید چیست؟ امید همان آرزومندی و اشتیاق به دیدن عیسی است. امید ملاقات مسیح، مانند مسیح شدن، شریک گشتن در جلال مسیح، و مانند مسیح محبت نمودن است. اگر واقعاً آرزوی ما مانند مسیح شدن باشد، وعده خداوند این است که این امید تحقق خواهد پذیرفت و مانند او خواهیم شد. اگر امیدمان مانند مسیح شدن است، همانطور که او پاک است ما نیز خود را از هر ناپاکی پاک خواهیم ساخت.

۴ هر کس که گناه را به عمل می‌آورد، بر خلاف شریعت خدا عمل می‌کند. یوحنا رسول می‌گوید: هر کس. مهم نیست که انسان دارای چه رتبه و مقام اجتماعی باشد و در چه موقعیت اقتصادی و شغلی قرار داشته باشد. شاه و گدا و رئیس‌جمهور و کشاورز و کارگر، هر کس که گناه کند مخالف شریعت و قانون خدا عمل نموده است.

بسیاری از مردم کلمه گناه را دوست نمی‌دارند! هرگاه که مرتکب گناهی می‌گردند می‌گویند: «اشتباه کرده‌ام!». ولی آنها فقط خود را فریب می‌دهند. هر عملی که مخالف اراده و شریعت خدا باشد، بیش از یک اشتباه صرف است. کلام خدا آن را گناه می‌نامد.

۵ مسیح ظاهر شد تا گناهان ما را بردارد (یوحنا ۱:۲۹). مسیح گناهان ما را با متحمل شدن مجازات اعدامی که برای ما مقدر شده بود، بر خود گرفت و به این وسیله ما را از بدهی عظیمی که داشتیم آزاد نمود. مسیح بی‌گناه بود. او به هیچ وجه سزاوار مرگ بر روی صلیب نبود (عبرانیان ۴:۱۵). ولی او به جای ما مجازات اعدام را تحمل کرد و کفاره گناهان ما گردید (رومیان ۵:۸، ۶:۳؛ اول قرن‌تین ۱۵:۳؛ اول یوحنا ۲:۲ را مشاهده کنید).

۶ هر که در وی ثابت است گناه نمی‌کند^۸ یعنی اینکه کسی که در مسیح زندگی می‌کند نمی‌تواند که در آن واحد در گناه نیز به سربرد (آیه ۹ را مشاهده کنید). کسی که در مسیح زندگی می‌کند ممکن است گاهی مرتکب خطا و گناهی شود ولی هرگز به طور کامل در زندگی گناه‌آلود غرق نخواهد شد (اول یوحنا ۱:۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر یک نفر مسیحی گناهی مرتکب شود، باید فوراً از آن گناه توبه کند و پاک خواهد شد (اول یوحنا ۱:۹).

اگر عمداً به طور مرتب گناه کنیم، نشانه این است که مسیح در ما زندگی نمی‌کند و ما در مسیح نیستیم. بیایید از خود بپرسیم که آیا در زندگی من گناهی وجود دارد؟ آیا گناهی وجود دارد که به آن اعتراف نکرده‌ایم و از آن توبه ننموده‌ایم؟ آیا گناهی وجود دارد که مرتباً مرتکب می‌شویم و آن را از خود دور نمی‌کنیم؟ اگر از گناه دوری نکنیم و از گناه متنفر نباشیم، مسیح در ما زندگی نخواهد کرد. زیرا کسانی که از خدا اطاعت کنند و پاک دل باشند، او را خواهند دید و او را خواهند شناخت (متی ۵:۸؛ اول یوحنا ۲:۳-۴).

۸- در عوض عبارت «گناه نمی‌کند»، بعضی از ترجمه‌ها عبارت «دائماً گناه نمی‌کند» را آورده اند. بر طبق متن اصلی یونانی، فعل فوق بهتر است به صورت «دائماً گناه نمی‌کند» ترجمه و درک شود.

خدایی به خود خواهد گرفت و به طور طبیعی، از هر گناه و ناپاکی دوری خواهد گزید.

ولی به خاطر داشته باشیم که درست است که پرتقال، ثمرة درخت پرتقال است، ولی گاهی دیده می‌شود که آفت و مرض پرتقال را خشک می‌کند و یا بد طعم می‌سازد. ولی ثمرة آن درخت (هر قدر هم که بد شکل و بد طعم و زشت باشد) لیمو ترش نخواهد بود! این حقیقت در مورد زندگی ما مسیحیان نیز صادق است. زمانی که از خدا مولود شدیم، ثمرات روح‌القدس در زندگیمان به ظهور خواهد رسید. ولی ممکن است که نفس ما «مریض» شده یا آفت گناه به زندگیمان رخنه کند. اگر پس از تولد تازه در گناه بیفتیم، بیماری گناه و وسوسه کیفیت زندگی روحانی ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد ولی در این حقیقت که فرزند خداییم هیچ اثری نخواهد داشت. یوحنا می‌گوید که اگر در این موقعیتی گرفتار شدیم، باید به گناهان خود اعتراف کرده از آنها توبه نماییم.

از آنجا که فرزند خدا هستیم، طبعاً نمی‌خواهیم که مرتکب گناه شویم. برعکس، خواسته قلبی ما این است که اراده خدا را به انجام برسانیم و مایه خشنودی پدر آسمانی خود گردیم. پس زمانی که مرتکب گناهی می‌شویم، این طبیعت کهنه ماست که سعی در تشویق ما به بازگشتن به رویه‌های گذشته می‌کند (رومیان ۷: ۱۸-۲۰). بیایید که با قوت روح‌القدس در مقابل طبیعت کهنه خود مقاومت کنیم.

۱۰ فرزندان خدا و فرزندان ابلیس را از اعمال و میوه‌های ایشان خواهیم شناخت. هر

۷ معلمان دروغین بسیاری خواهند آمد و سعی در گمراه نمودن ما خواهند کرد ولی ایشان را از اعمالشان خواهیم شناخت. **کسی که عدالت را به جامی آورد عادل است.** اگر کسی اعمال عدالت را به جا آورد، آنگاه خواهیم دانست که او عادل و از مسیح است. از سوی دیگر، اگر کسی به طور مداوم اعمال ناراستی را به جا آورد، مسیحی دروغین می‌باشد. عیسی فرمود: **«ایشان را از میوه‌های ایشان خواهید شناخت»** (متی ۷: ۱۶).

۸ **وکسی که گناه می‌کند^۹ از ابلیس است.** کار ابلیس این است که مردم را فریب دهد و آنها را به سوی گناه و زشتی بکشاند و در نهایت اسیر گناه و تباهی بسازد. ولی عیسی به جهان آمد تا اعمال شیطان را در هم بشکند و انسانهای در بند گناه را از اسارت گناه و ملکوت ظلمت آزاد سازد.

۹ **هرکه از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند^{۱۰}** (اول یوحنا ۱: ۸؛ ۱۸: ۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما از خدا متولد شده‌ایم. **تخم و بذر** (یعنی طبیعت او) در ما است، قوت و قدرت و محبت کردن و زندگی پاک، در نفس ما جا گرفته است. پس از دریافت طبیعت خدا، دیگر قادر نخواهیم بود مخالف ذات او عمل نماییم. روح‌القدس که این طبیعت تازه را در ما ایجاد نموده است ما را وادار می‌سازد که اعمال نیکو را انجام دهیم و از انجام اعمال گناه دوری نماییم. مسیحی کسی است که از پدر، به وسیله ایمان به پسر و به قوت روح‌القدس مولود گردیده باشد و زندگی روحانی تازه‌ای را شروع نماید (یوحنا ۳: ۵؛ رومیان ۸: ۱۱ را مشاهده کنید).

برای مثال، میوه پرتقال را از درخت پرتقال می‌چینند. ثمرة درخت پرتقال، لیموترش نخواهد بود. به همین شکل چون خدا مقدس است، فرزندان او نیز مقدس خواهند بود. انسانیت گناهکار ما پس از تولد تازه طبیعت

۹- در متن یونانی کلمه «گناه می‌کند»، معنی «دائماً در حال گناه کردن به سر می‌برد» است.

۱۰- معنی دقیقتر این عبارت در زبان یونانی «دائماً در گناه به سر نمی‌برد» است.

خداوند می‌باشد. و لازمه اطاعت از احکام خدا، داشتن محبت نسبت به اوست (آیه ۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بنابراین، داشتن محبت یعنی داشتن حیات روحانی. پس اگر برادر خود را محبت نماییم، می‌توانیم از این حقیقت مطمئن باشیم که از مرگ گذشته، به حیات جاودانی وارد شده‌ایم (یوحنا ۵:۲۴ را مشاهده کنید). ثمره تنفر مرگ است و میوه محبت حیات جاودانی می‌باشد.

۱۵ احساس تنفر نسبت به برادر و یا خواهر مانند عمل قتل است. حتماً لازم نیست عملاً کسی را به قتل برسانیم تا در نزد خدا قاتل محسوب گردیم! نفرت ورزیدن به برادری مانند این است که در قلب و ذهن خود او را به قتل رسانیده‌ایم. مسیح فرمود اگر نسبت به برادر خود بی‌سبب خشم گیریم مانند یک قاتل مستوجب حکم خواهیم بود (متی ۵:۲۱-۲۲). تنفر و قتل منتهی به هلاکت روحانی خواهد شد و کنندگان این چنین اعمال، حیات جاودانی ندارند.

۱۶ زندگی عیسی مسیح، نمونه کامل محبت به دیگران می‌باشد. عیسی به وسیله زندگی و اعمال و گفتار خود، نمونه‌ای برای ما به جا گذاشت تا ما در اثر قدمهای او رفتار کنیم

کس که اعمال عدالت را به جا آورد^{۱۱} فرزند خداست (اول یوحنا ۲:۲۹). **و هر که عدالت را به جانمی آورد^{۱۲} از خدا نیست.**

نداشتن محبت نسبت به برادران و خواهران گناه است (اول یوحنا ۲:۹). در اینجا یوحنا خاطر نشان می‌سازد که انجام عدالت در زندگی روزمره همانا محبت کردن به دیگران^{۱۳}، و مخصوصاً محبت نسبت به برادران^{۱۴} است (یوحنا ۱۳:۳۴؛ غلاطیان ۶:۱۰). خلاصه و چکیده تمامی احکام و تعالیم الهی، محبت نمودن خدا و همسایه خود می‌باشد (رومیان ۹:۱۳؛ غلاطیان ۵:۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

یکدیگر را محبت کنید (۳:۱۱-۲۴)

۱۱-۱۲ **قائن** اولین فرزند آدم بود. آدم اولین انسانی بود که خدا خلق نمود. از جایی که قائن شریر بود، برادرش هابیل را (که در نزد خدا عادل محسوب گردیده بود) کشت (پیدایش ۴:۸-۱). شرارت، همیشه با عدالت مخالفت و دشمنی دارد. هرگز بین شرارت و عدالت، آشتی برقرار نخواهد شد. یوحنا رسول به ما می‌گوید مانند قائن نباشیم.

۱۳ **چرا دنیا^{۱۵}** از کسانی که به مسیح ایمان دارند متنفر است و با ایشان خصومت می‌ورزد؟ زیرا ایمانداران از این دنیا نیستند. ما به ملکوت خدا تعلق داریم، ما از خدا مولود گردیده‌ایم (یوحنا ۱:۱۲-۱۳، ۱۵:۱۸-۱۹). اگر جهان عیسی را دشمن داشت، به طریق اولی پیروان او را نیز مورد دشمنی قرار خواهد داد.

۱۴ **در اول یوحنا ۲:۲۹ می‌خوانیم: هر که عدالت را به جا آورد از وی تولد یافته است.** یعنی اینکه هر کسی که اعمال عدالت را به جا آورد از لحاظ روحانی مولودی نو و تازه می‌باشد. چنین شخصی زندگی روحانی جدیدی را دریافت نموده است. انجام اعمال عدالت مستلزم داشتن ایمان و اطاعت نمودن از احکام

۱۱- در متن یونانی «دائماً به جا آورد» است.

۱۲- در متن یونانی «دائماً به جا نمی‌آورد» است.

۱۳- در اینجا یوحنا رسول در مورد جنبه عملی محبت صحبت می‌کند. البته واضح است که قبل از آنکه بتوانیم دیگران را محبت کنیم، باید محبت خدا را تجربه کرده باشیم و تمایل به اجرای احکام او در قلبمان باشد (مرقس ۱۲:۳۰). اراده و حکم خداوند این است که همسایه خود را مانند نفس خویش محبت نماییم.

۱۴- در اینجا مقصود از «برادران» همه ایمانداران به عیسی مسیح است.

۱۵- در اینجا، مقصود از دنیا، انسانیت شرور و گناهکار است.

خود اطمینان دهیم که ما حقیقتاً فرزندان خدا می‌باشیم و قادر خواهیم بود که به حضور پدر آسمانی رفته، نزد او دعا کنیم. لذا اگر مایل به داشتن اطمینان نجات و اطمینان ایستادن نزد پدر آسمانی هستیم، باید برادران را محبت کنیم.

۲۰ بعضی مواقع پیش می‌آید که **دل ما، ما را مذمت** (سرزنش) می‌کند که «تو ایمان نداری، تو مسیحی واقعی نیستی، تو گناهکاری، تو نمی‌توانی فرزند خدا باشی» و از این قبیل. ولی خدا از دل ما بزرگتر و داناتر می‌باشد. حتی اگر قلب ما، ما را مذمت کند، این خداست که ما را عادل خوانده است و خدا از قلب ما بزرگتر می‌باشد. او ما را مورد ملامت و مذمت قرار نخواهد داد (رومیان ۸:۱).

۲۱ بر اساس آیه ۲۰، اگر دل ما، ما را مذمت نکند، خدا ما را مذمت و ملامت نخواهد نمود. پس بر طبق آیه ۲۱، **هرگاه دل ما، ما را مذمت نکند؛** چقدر بیشتر در حضور خدایی که ما را مذمت نمی‌کند، **اعتماد** خواهیم داشت؟

اگر وجدان ما پاک باشد، و قلب ما شهادتی بر علیه ما نداشته باشد، با اعتماد کامل خواهیم توانست در مقابل خدا ایستاده، دعا کنیم (رومیان ۵:۱؛ عبرانیان ۴:۱۶).

۲۲ چون از احکام خدا اطاعت می‌کنیم، می‌توانیم از خدا هر چیزی را طلب نموده، مطمئن باشیم که وی دعای ما را مستجاب خواهد نمود. اگر خدا مطابق خواسته ما عمل ننماید، به این خاطر است که به طور صحیح از او تقاضا نکرده‌ایم (یعقوب ۳:۴). ولی در هر حال، خداوند همیشه به طریقی به دعاهاى ما جواب خواهد داد. ممکن است کاملاً مطابق میل و خواسته ما عمل نکند ولی او نیازهای روحانی ما را برآورده خواهد ساخت.

اینک کمی دقیق‌تر به موضوع دعا نگاه کنیم. یوحنا می‌گوید: **هر چه از او (از خدا) سؤال کنیم می‌یابیم، از آن جهت که احکام او را نگاه می‌داریم**

و از نمونه او سرمشق بگیریم. اگر او برادران ما را به اندازه‌ای محبت کرد که حاضر شد جان خود را بر روی صلیب برای آنها قربانی کند. ما نیز باید آنها را صادقانه محبت کنیم. محبت ما نسبت به برادران باید مانند محبت مسیح باشد. همانطور که او جان خود را برای آنها داد، ما نیز باید حاضر به جان‌فشانی باشیم. ما نباید در صدد حفظ جان خود باشیم، بلکه باید همیشه جهت بذل جان و فدا نمودن بوده، در پی آن باشیم که وقت و مال و جان خود را برای دیگران فدا نماییم (یوحنا ۱۲:۱۵-۱۳، رومیان ۵:۸؛ اول یوحنا ۹:۴-۱۱).

۱۷-۱۸ محبت واقعی از عمق وجود می‌جوشد و از درون ما سرچشمه می‌گیرد. ولی باید دانست که ثمره محبت واقعی و اعمال محبت‌آمیز، همیشه ظاهری و قابل دیدن می‌باشد. محبت واقعی و حقیقی که از دل می‌جوشد، صرفاً زبانی نمی‌باشد و در عمل و راستی خود را جلوه‌گر خواهد ساخت.

۱۹ کارها و اعمال عدالت و محبت ما نشانه زندگی روحانی جدید ما است. **و از این خواهیم دانست که از حق هستیم.** این آیه از بسیاری جهات مشابه آیه ۱۴ می‌باشد. در آیه ۱۴، یوحنا می‌گوید که از انجام اعمال عدالت خواهیم دانست که **حیات** داریم، در اینجا می‌گوید از محبت نسبت به برادران خواهیم دانست که متعلق به **حق** می‌باشیم. در حقیقت هر دو آیه از یک معنا سخن می‌گویند، عیسی فرمود: «**من راه و راستی (حق) و حیات هستیم**» (یوحنا ۱۴:۶). اگر در عدالت و محبت زیست کنیم، «حیات و حق» یعنی عیسی مسیح در ما زیست می‌کند. پس با داشتن حیات مسیح در خود چه جای ترس و نگرانی باقی خواهد ماند؟ ترس، نزد آنانی که محبت دارند جایی ندارد (اول یوحنا ۴:۱۸). بنابراین، می‌توانیم دل‌های خود را نزد خدا مطمئن گردانیم. آنگاه خواهیم توانست که در مواقع شک و تردید و ترس به

۲۴ عیسی فرمود: «اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند» (یوحنا ۱۵: ۱۰). در این جا یوحنا می‌گوید: و هر که احکام او را نگاه دارد در اوساکن است و او در وی. ساکن بودن در مسیح و در محبت ماندن هر دو به یک معنی می‌باشد. زندگی و ماندن در مسیح، مهم‌ترین کاری است که یک نفر می‌تواند انجام دهد (اول یوحنا ۲: ۲۸). ولی شرط ماندن در مسیح و زندگی در محبت وی. نگاه داشتن احکام او می‌باشد.

لذا قبل از هر چیز، شرط اول این است که زندگی خود را مطابق میل و اراده خدا تغییر دهیم. باید سعی کنیم مطابق میل و اراده او زندگی کرده، احکام او را اطاعت نماییم. شرط دوم این است که دعاهای ما باید با ایمان همراه باشد (متی ۲۱: ۲۲؛ مرقس ۱۱: ۲۴). به عبارت دیگر باید ایمان داشته باشیم که خدا قادر به انجام همه چیز است و او می‌داند که چه چیز به نفع ما و ملکوت او می‌باشد. شرط سوم این است که به نام عیسی و برای جلال او دعا کنیم (یوحنا ۱۴: ۱۴). شرط چهارم این است که مطابق اراده خدا دعا کنیم (اول یوحنا ۵: ۱۴-۱۵). این چهار شرط مهم دعا را عیسی مسیح به این صورت بازگو می‌کند: «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد» (یوحنا ۱۵: ۷).

باب ۴ روحهای دروغین و راستین (۴: ۱-۶)

۱ در زمان یوحنا رسول افراد بسیاری وجود داشتند که با کمک روحهای مختلف (ارواح شریر)، بشارت می‌دادند و یا وعظ و نبوت می‌کردند. این مورد در عصر حاضر نیز امری طبیعی می‌باشد. بنابراین همانطور که در قرن اول میلادی، کلیسای اولیه روحها را آزمایش می‌کرد؛ امروز هم وظیفه ما این است که روحها را بیازماییم. ولی این کار چگونه امکان‌پذیر است؟ چه میزان و قاعده و قانونی داریم که به وسیله آن، پیام انبیاء و واعظین را امتحان کنیم و محک بزنیم؟ اولین و اصلی‌ترین معیار ما جهت سنجش حقیقت، کلام خدا و کتاب مقدس می‌باشد. اگر آنچه که ایشان می‌گویند با کتاب مقدس سازگار باشد، می‌توان نتیجه گرفت که آن افراد از سوی روح خدا سخن می‌گویند.

یوحنا در این بخش روش آزمودن روحها را تعلیم می‌دهد. او می‌گوید روحها را بیازمایید که

۲۳ چه کنیم تا خدا از ما خشنود گردد؟ اینجا یک بار دیگر یوحنا رسول این نکته بسیار مهم را توضیح می‌دهد. به گفته یوحنا، گره این معما به وسیله ایمان به مسیح و اطاعت از مسیح و محبت به او، باز می‌شود. ایمان حقیقی هرگز قائم به ذات نمی‌باشد بلکه جهت بقای خود همیشه محتاج اطاعت از خدا و محبت به خداست (غلاطیان ۵: ۶؛ یعقوب ۲: ۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ایمان درخت است و اطاعت از احکام خدا میوه‌های آن است.

ایمان به اسم مسیح، یعنی ایمان به عیسی. نام مسیح، بیانگر شخصیت و ذات عیسی مسیح می‌باشد. عیسی، مسیح یعنی مسح شده از طرف خداست، وی منجی عالم و پسر یگانه خدای پدر می‌باشد. او پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب است (اول تیموتائوس ۶: ۱۵، مکاشفه ۱۹: ۱۶).

خدای قادر مطلق است که حدود دو هزار سال پیش، مجسم شد (به صورت جسمانی و مانند یک انسان معمولی) به این جهان آمد. و به صورت یک انسان به آسمان صعود کرد. و همین مسیح جلال یافته، امروز زنده است و به دست راست خدای پدر نشسته است و نزد پدر به جهت ایمانداران شفاعت می‌نماید (عبرانیان ۳:۱).

ولی زمانی که عیسی انسان شد، ذات خدایی خود را از دست نداد. او خدای مجسم شده یا خدای قالب جسمانی یک انسان بود. او از ازل با پدر و روح القدس یک خدای واحد بوده است (یوحنا ۱:۱۴؛ فیلیپان ۲:۳-۸ را مشاهده کنید).

بنابراین، همه کسانی که عیسی مسیح را به این صورت اقرار و اعتراف نمایند، ایماندار محسوب می‌گردند و روح خدا را دارند. به طور خلاصه باید گفت که یک راه ساده جهت تشخیص ایمانداران حقیقی وجود دارد و با یک امتحان ساده می‌توان گفت که چه روحی در ماورای سخنان آن افراد وجود دارد. و آن اینست که همه کسانی که الوهیت مسیح را معترف می‌شوند، متعلق به مسیح و ایماندار واقعی می‌باشند.^{۱۶}

۳ هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست. چنین روحی از شریر و ابلیس می‌باشد. این گفته بسیار سقیم و مشکل می‌نماید، ولی حقیقت دارد. تعالیم و سخنان افراد را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود، آنانی که مسیح مجسم شده را اعتراف می‌کنند و آنانی که منکر الوهیت مسیح می‌باشند.^{۱۷} آن

۱۶- البته اشخاص می‌توانند با زبان خود اعتراف کنند ولی در دل خود ایمان نداشته باشند. اما پس از مدتی، دروغ آنها معلوم و فاش خواهد شد.

۱۷- این دو نوع روح، بر نفس و روح شخص تأثیر می‌نهند. و لذا اگر روحی که به مسیح معترف باشد

از خدا هستند یا نه. منظور یوحنا از این سخن این است: «ببینید افراد چه می‌گویند و سخن آنها از کجا ریشه می‌گیرد». همیشه باید صحت و سقم کلام کسانی را که ادعا می‌کنند که توسط «روح القدس» سخن می‌گویند بررسی کرد و با دقت سخنان آنها را با حقایق کلام خدا محک زد. زیرا همیشه انبیاء و معلمان دروغین وجود دارند که در صدد گمراه کردن و فریب دادن گله خدا می‌باشند (مرقس ۱۳:۲۲؛ اعمال ۲۹:۲۰-۳۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲ در زمان نگارش این رساله، کتابهای مختلف عهدجدید هنوز در دسترس کلیسا نبود و اگر هم رساله و قسمتی از عهدجدید نگارش گردیده بود، هنوز به صورت یک مجموعه از کلام خدا و به شکل امروزی آن در اختیار ایمانداران نبود. مخاطبین یوحنا رسول، هنوز فرصت مطالعه تمام قسمتهای عهدجدید را نداشتند. لذا به این خاطر است که یوحنا رسول یک اصل ساده و کلی جهت شناخت ارواح کذب، معلمین دروغین و انبیای متقلب به کلیسا ارائه می‌کند. اصل این است: **هر روحی که به عیسی مسیح مجسم شده اقرار نماید از خداست** (اول قرن‌تیان ۳:۱۲، دوم یوحنا ۷ را مشاهده کنید). عقاید اشخاص نسبت به عیسی مسیح بسیار متفاوت است و از شیوه برخورد افراد با عیسی مسیح می‌توان دریافت که آیا آنها به روح خدا متعلق هستند یا نه.

عیسی مسیح کیست؟ در تمام تاریخ بشر، سؤالی از این مهم‌تر وجود ندارد. پاسخ به این سؤال، مشخص کننده موضع افراد مختلف خواهد بود. پاسخ یوحنا رسول به قرار زیر است: «عیسی مسیح، خود خداست که به صورت جسم به جهان آمد». عیسی مسیح انسان کامل و خدای کامل می‌باشد. او یک انسان معمولی نبود. و نیز او روحی نبود که در جسم انسانی حلول کرده باشد و پس از مرگ آن شخص، جسد خاکی را ترک کند. عیسی مسیح

بدعت‌گزاران، و دجالان همگی از این دنیا می‌باشند و سخنان، تعالیم و نبوت‌های ایشان دنیوی است. آنها از این جهان هستند و چیزهای این جهان را دوست دارند. و به همین خاطر نیز جهان ایشان را دوست می‌دارد و سخنان ایشان را می‌شنود (یوحنا ۱۵:۱۹).

۶ ما که روح مسیح را داریم از خدا هستیم. اگر کسی کلام ما را بپذیرد، او نیز از خداست. ولی اگر کسی کلام ما را نشنود و یا آن را خوار بدارد، نمی‌تواند از خدا باشد (یوحنا ۸:۴۷). با این وسیله خواهیم دانست که چه کسی از خداست و روح راستی (روح‌القدس) را دارد و کدام شخص تحت تأثیر روح گمراهی قرار دارد.

روح راستی نام دیگر روح‌القدس می‌باشد (یوحنا ۱۴:۱۷). جهان و اشخاص دنیوی نمی‌توانند روح‌القدس را بپذیرند، زیرا جهان قادر به شناختن حقیقت و راستی نیست و نمی‌تواند کلام ما را بشنود. جهان، **روح ضلالت** و روح دروغ و تاریکی را پذیرفته است. مردم دنیوی فریب دروغ‌های ارواح کذب را خورده‌اند و در تاریکی و جهل روحانی گام برمی‌دارند.

پطرس رسول می‌نویسد: **یس ای حبیبان، چون این امور را از پیش می‌دانید، با حذر باشید که مبادا به گمراهی بی‌دینان ربوده شده، از پایداری خود بیفتید. بلکه در فیض و معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح ترقی کنید، که او را از اکنون تا ابد الاباد جلال باد. آمین** (دوم پطرس ۳: ۱۷-۱۸). باشد که ما نیز با مطالعه جدی و مستمر کلام خدا، در فیض و راستی و معرفت خداوندمان عیسی مسیح رشد کنیم.

(روح‌القدس) در انسان باشد، آنگاه او نیز به عیسی مسیح اعتراف خواهد نمود. و برعکس اگر روحی که در شخص است به مسیح اعتراف ننماید (ارواح کذب و شریر)، در نتیجه آن شخص هم به عیسی مسیح اعتراف نخواهد نمود و ایمان نخواهد آورد.

کسانی که به الوهیت مسیح اعتراف می‌کنند، از خدا مولود شده‌اند و نجات خواهند یافت. و کسانی که منکر الوهیت مسیح می‌باشند، روح خدا را ندارند و گمشده باقی خواهند ماند. و دقیقاً به همین خاطر است که بشارت انجیل مسیح و موعظه کردن به مسیح خداوند از اهمیت خارق‌العاده‌ای برخوردار است. در این عالم، هیچ کاری مهم‌تر از بشارت انجیل و موعظه به مسیح وجود ندارد. عیسی مسیح، صرفاً یک انسان جسمانی مثل بقیه نبود، **او صورت خدای نادیده است** (کولسیان ۱: ۱۵). هر تعلیم دیگری که با تعلیم یوحنا منافات داشته باشد از خدا نیست و نمایانگر روح دجال می‌باشد و از شیطان سرچشمه گرفته است (اول یوحنا ۲: ۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). این روحها نهایتاً متعلق به شیطان و از یاران او می‌باشند.

۴ ما که از خدا هستیم **بر ایشان غلبه یافته‌ایم**. توجه کنید که یوحنا می‌گوید ما هم اکنون غلبه یافته‌ایم! عیسی مسیح پیروزی را برای ما فراهم کرده است و همیشه بر اینگونه تعالیم غالب خواهیم بود.

او که در ماست یعنی عیسی مسیح، یا دقیقتر بگوییم روح‌القدس یا روح مسیح می‌باشد. عیسی، به واسطه روح‌القدس در ما زیست می‌کند. منظور از **آنکه در جهان است**، شیطان رئیس تمامی ارواح ناپاک و شریر می‌باشد. عیسی مسیح شیطان را رئیس این جهان لقب داد (یوحنا ۱۲: ۳۱). عیسی از شیطان و تمامی ارواح ناپاک بزرگتر است. پس هرگز نگوئیم: «ما مسیحیان ضعیف و ناتوان هستیم» و یا «تعدادمان کم است». بلی ممکن است که از لحاظ تعداد در اقلیت باشیم ولی از نظر قدرت به مراتب بزرگتر از شیطان و یارانش هستیم. ما به هیچ وجه ضعیف نیستیم، زیرا تمامی قدرت خدا را در کنار خود داریم.

۵ انبیبای کذب، معلمین دروغین،

خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد (یوحنا ۳:۱۶). به واسطه مسیح است که ما خدا را به عنوان پدر آسمانی خود شناخته و محبت پدری او را تجربه می‌کنیم.

حال این سوال پیش می‌آید که آیا می‌توان محبت و عشق را به وسیله مطالعه در باره عشق و دلدادگی تجربه نمود؟ جواب منفی است. باید عاشق شد تا معنی محبت را دانست. باید پدر و یا مادر بود تا محبت نسبت فرزندان را دانست. به همین ترتیب باید محبت خدا را در قلب خود پذیرا شده، آن را به طور شخصی و انفرادی تجربه نماییم. خواندن و مطالعه و شنیدن سخنان شیرین، پیرامون محبت خدا کافی نیست. باید محبت خدا را در درون دل و وجود خود تجربه کنیم. در غیر این صورت از محبت خدا بی‌اطلاع و بی‌حاصل خواهیم بود. ولی تجربه و دریافت محبت کافی نیست، بلکه باید محبتی را که از خداوند گرفته‌ایم به دیگران ارزانی کنیم. اگر دائماً محبت خدا را به برادران منتقل کنیم، می‌توان مطمئن بود که محبت خدا دائماً ما را مملو خواهد ساخت. ولی اگر دیگران را محبت نماییم، عاقبت درون ما از محبت خدا تهی خواهد ماند.

توجه داشته باشید که هر محبت واقعی از خدا سرچشمه می‌گیرد. ابتدا محبت را از خدا دریافت می‌کنیم و سپس آن را به دیگران منتقل می‌سازیم. با تکیه بر انرژی انسانی خود هرگز قادر به ارائه محبت واقعی به دیگران نخواهیم بود. محبت حقیقی امری است روحانی و ثمره کار روح القدس در زندگی ماست.

۹ چگونه محبت خدا مشخص و نمایان می‌شود؟ محبت خدا از این آشکار شد که وی پسر یگانه خود را به این جهان فرستاد تا ما انسانها را نجات بخشد (یوحنا ۳:۱۶). ایمان به مسیح و پیدا کردن نجات، شامل حصول

محبت خدا و محبت ما (۴:۷-۲۱)
۷-۸ پیشتر دیدیم که یوحنا رسول نوشت: **خدا نور است** (اول یوحنا ۱:۵). نیز خواندیم که **کسی که برادر خود را محبت نماید، در نور ساکن است و لغزش در وی نیست** (اول یوحنا ۲:۱۰). اینک یوحنا می‌گوید: **خدا نور است (آیه ۸) و هر که محبت می‌نماید از خدا مولود شده است (آیه ۷).**

خدا نور است، پس ما باید در نور سلوک کنیم. خدا محبت است، پس ما باید در محبت گام برداریم. فقط آن کسانی که در نور (در ایمان) و محبت قدم بر می‌دارند، از خدا مولود گردیده‌اند (اول یوحنا ۲:۲۹؛ ۳:۱۰).

خدا محبت است. یوحنا رسول به گفتن اینکه خدا محبت می‌کند، اکتفا نمی‌کند. البته گفتن اینکه خدا محبت می‌کند، کاملاً صحیح است، ولی در اینجا یوحنا رسول به نکته بسیار مهمتری اشاره می‌کند. آن نکته این است که ذات خدا محبت است. محبت صرفاً یکی از اعمال و کارهای خدا نیست، محبت از ذات مقدس وی سرچشمه می‌گیرد. محبت خدا نسبت به ما به این خاطر نیست که نیکویی و خوبی ما او را تحت تأثیر قرار داده است و او ناگزیر از تلافی می‌باشد. بلکه دلیل آنکه خداوند ما را دوست دارد و مورد مهر قرار می‌دهد این است که ذات او محبت است.

خدا محبت است. این بزرگترین و بهترین مژده انجیل مسیح می‌باشد. در هیچ مذهب دیگری این حقیقت تا به این اندازه به روشنی تعلیم داده نشده است. پیروان هیچ مذهبی در جهان نمی‌دانند که **خدا محبت است**. علت این است که قدم اول در راه درک محبت خدا، تجربه آن محبت می‌باشد و جهت شناختن خدا باید تجربه ملاقات با او را حاصل نمود. این تجربه حاصل نمی‌شود مگر به وسیله ملاقات خدا در عیسی مسیح. در عیسی مسیح است که دانش خدا و درک محبت عظیم روشن می‌گردد. **زیرا**

بخشایش از گناهان و دریافت نجات و حیات جاودانی می‌باشد. از همان لحظه اولی که مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود پذیرفتیم، زندگی جدید مادر مسیح شروع گشته و مسیح در ما زیستن آغاز می‌کند و این زندگی جدید با مسیح تا به ابد ادامه پیدا خواهد نمود. وه، چه خدای پر مهر و محبتی داریم!

۱۰ این ما نبودیم که خدا را محبت کردیم. بلکه خدا اول ما را محبت کرد (آیه ۱۹ را مشاهده کنید). اگر ما ابتدا خدا را محبت کرده بودیم، شایستگی دریافت محبت او را می‌داشتیم، ولی کلام خدا می‌گوید که ما به هیچ گونه شایسته دریافت محبت خدا نبودیم. **لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که هنوز گناهکار بودیم مسیح در راه ما فرود (رومیان ۵:۸).** چرا مرگ و صلیب مسیح لازم بود؟ او برای گناهان ما و به جهت پرداخت بهای گزاف گناهان ما مرد تا به جهت ما و تمام جهان کفاره گناهان باشد (اول یوحنا ۲:۲).

۱۱ چرا باید دیگران را محبت نماییم؟ زیرا که او ما را دوست داشت. همانگونه که عیسی ما را محبت کرد، ما نیز باید دیگران را مورد محبت و دوستی خود قرار دهیم (یوحنا ۱۵:۱۲؛ اول یوحنا ۳:۱۶). چگونه می‌توان آنها را که مسیح تا سرحد جان خود دوست داشت، محبت نمود؟

۱۲ ما خدا را ندیده‌ایم (یوحنا ۱:۱۸)، ولی اطمینان از ملاقات خدا، مستلزم دیدن خدا با چشم نمی‌باشد. زیرا خدا در قلبهای ما زندگی می‌کند و ما را از حضور خود مطمئن می‌سازد. اگر یکدیگر را محبت نماییم، خدا که محبت می‌باشد در درون ما ساکن خواهد بود (یوحنا ۱۴:۲۳ را مشاهده کنید). محبت او ما را مملو خواهد ساخت (رومیان ۵:۵). و وقتی با اطاعت از کلام او به محبت کردن به دیگران ادامه می‌دهیم، **محبت او در ما کامل** می‌شود (اول یوحنا ۵:۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۳ اینجا یوحنا یکبار دیگر سخنان قبلی خود را تکرار می‌کند و بر اهمیت آن تأکید می‌ورزد (اول یوحنا ۳:۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). در اینجا یوحنا می‌گوید: **او از روح خود به ما داده است.** در قسمت دیگری از عهد جدید می‌خوانیم که پولس رسول می‌گوید که خدا روح خود را به ما عطا فرموده است (غلاطیان ۳:۲، ۵:۴؛ ۶:۴). ولی در اینجا یوحنا رسول می‌گوید که خدا از روح خود به ما داده است که در واقع اشاره به یک حقیقت می‌کند و هر دو قسمت به یک معنی می‌باشد. روح القدس از طرف خدا به ما ارزانی می‌گردد. خدا، روح خود را با توجه به ظرفیت، استطاعت و آمادگی ما و به طور مناسب و شایسته خدمت و دعوتمان به ما عطا می‌نماید. ولی می‌خوانیم که این معیار و میزان در مورد مسیح صدق نمی‌کرد زیرا خدا روح خود را بی‌اندازه و بی‌حد به مسیح داده بود (یوحنا ۳:۳۴).

۱۴ **کسی هرگز خدا را ندید**^{۱۸} (آیه ۱۲). یوحنا رسول می‌گوید که ما (مسیح را) دیده‌ایم (یوحنا ۱:۱۴ را مشاهده کنید). و چون مسیح را از نزدیک دیده‌ایم، **شهادت می‌دهیم که پدر پسر را فرستاد تا نجات دهنده جهان بشود** (یوحنا ۳:۱۶-۱۸ را مشاهده کنید).

مسیح نجات دهنده جهان است، ولی همه افراد این جهان نجات نیافته‌اند. لازمه دریافت نجات مسیح اقرار و اعتراف و ایمان به این حقیقت است که عیسی پسر خدا می‌باشد (آیه ۱۵).

۱۵ در این آیه یوحنا رسول یک بار دیگر حقیقت مهمی را که در آیات اول یوحنا ۲:۲۳-۲۴ و ۲:۴ گفته بود، تکرار می‌کند. اقرار،

۱۸- در عهدعتیق، می‌خوانیم، که در موارد استثنایی، خدا به صورت فرشته به بسیاری از افراد مانند ابراهیم و موسی ظاهر می‌شود. ولی هیچ کس هرگز خدا را روبرو ملاقات نکرده است.

زیرا چنانکه او (عیسی مسیح) هست، ما نیز در این جهان همچین هستیم. این گفته یوحنا به این معنی است که ما مانند مسیح، از خدا مولود گردیده‌ایم و مشابه مسیح هستیم.^{۱۹} چون از خدا مولود شده‌ایم و محبت خداوند در ماست، مشابه مسیح می‌باشیم. ولی از آنجا که هنوز در بدنهای جسمانی و آلوده به گناه زیست می‌کنیم، نمی‌توانیم به طور کامل بی‌گناه و مسیح‌گونه زیست کنیم. در روز آخر، زمانی که مسیح به این جهان بازگشت فرماید، آنگاه مانند وی خواهیم شد (دوم قرنتیان ۱۸:۳، اول یوحنا ۲:۳).

۱۸ قبل از پرداختن به این آیه باید پرسید که چرا انسانها از خدا می‌ترسند؟ چه عاملی مسبب این ترس می‌باشد؟ جواب این است که عموماً منشاء ترس انسانها از مجازات و عقوبت الهی است. ولی به لحاظ محبت عظیم خدا در صلیب عیسی مسیح، ایمانداران از عقوبت و داوری الهی نجات پیدا نموده‌اند و اینک دلاوری دارند. لذا شخصی که به مسیح ایمان داشته باشد، از عقوبت الهی ترسی نخواهد داشت. زیرا دیگر هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند (رومیان ۸:۱). پس اگر هنوز از عقوبت و داوری الهی می‌ترسیم، به این دلیل است که هنوز در محبت خدا تکمیل نشده‌ایم و محبت مسیح در ما کامل نگردیده است (آیه ۱۲ و ۱۷). اگر هنوز از روز جزا در دل خود ترس و هراس داریم، به این دلیل است که هنوز محبت خدا و نجات را تجربه نکرده‌ایم.

روند رشد روحانی در زندگی یک ایماندار را می‌توان به چهار مرحله تقسیم نمود. مرحله اول زمانی است که شخص هیچ ترسی از خدا ندارد و به همان ترتیب رابطه محبت‌آمیزی نیز وجود نخواهد داشت. در این مرحله، شخص کاملاً در گناه و زندگی گناه‌آلود دنیا غرق است. در این

اعتراف و ایمان به این حقیقت مهم که عیسی پسر خداست، آغاز زندگی در خدا و مشارکت با خدا می‌باشد (آیه ۱۶). زندگی در خدا، یعنی شناخت وی و شناختن خدا یعنی حیات جاودانی (یوحنا ۳:۱۷).

لازم به تذکر است که همه موارد فوق از قبیل، اعتراف به عیسی مسیح به عنوان پسر خدا، ایمان به عیسی، اطاعت از احکام خدا، محبت به خدا، محبت به برادران و هموعان، و شناخت خدا، و غیره همگی با هم در ارتباط می‌باشند. باید به خاطر داشت که هرگونه اقدام به جدا ساختن و یا انتخاب کردن از میان آنها خطا می‌باشد.

۱۶ از آنجا که خدا در ما زیست می‌کند (آیه ۱۵)، ما دانسته و باور کرده‌ایم آن محبتی را که خدا با ما نموده. «دانسته و باور کرده‌ایم»، یعنی اینکه به طور تجربی محبت خدا را درک نموده‌ایم و قانع شده‌ایم که خدا ما را دوست دارد. از این جهت، می‌توانیم بر این محبت تکیه نماییم.

هر که در محبت ساکن است در خدا است و خدا در وی (اول یوحنا ۳:۲۴؛ ۴:۱۲ را مشاهده کنید).

۱۷ هر چه محبت خدا در ما کامل تر گردد، بیشتر به شباهت مسیح در خواهیم آمد. تبدیل شدن به شباهت مسیح و به کمال رسیدن محبت خدا در ما، باید هدف اصلی ما باشد (رومیان ۸:۲۹). زمانی که محبت خدا در ما تکمیل شد، آنگاه در روز جزا (داوری) دلاوری و اطمینان خواهیم داشت (اول یوحنا ۲:۲۸ را مشاهده کنید). یک نفر مسیحی، نباید از روز جزا و محاکمه روز قیامت ترسی به دل داشته باشد زیرا که به واسطه خون عیسی مسیح و بخشایشی که از او دریافت داشته‌ایم، از داوری و قصاص نجات یافته‌ایم. در آن روز هیچ قصاصی در انتظار ایمانداران به مسیح نخواهد بود.

ما از قصاص و مجازات معاف خواهیم بود،

۱۹- ما «در این جهان هستیم» ولی «از این جهان

نیستیم» (یوحنا ۱۵:۱۹؛ ۱۷:۱۴-۱۸).

بخشید تا ما نیروی لازم برای محبت کردن را داشته باشیم^{۲۰} (رومیان ۵:۸؛ اول یوحنا ۴:۱۰-۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲۰ محبت کردن خدا و دوست داشتن دیگر انسانها را نمی‌توان از یکدیگر مجزا نمود. اگر حقیقتاً خدا را دوست داریم، باید انسان‌هایی را نیز که به شباهت او خلق شده‌اند، محبت کنیم. نتیجه طبیعی داشتن محبت خدا این است که نسبت به همسایه خود و دیگران محبت داشته باشیم.

به یک معنا، محبت داشتن به خدا بسیار ساده می‌نماید. خدای روح است. ما قادر به دیدن، شنیدن، لمس کردن و احساس نمودن وی نیستیم. ولی داشتن رابطه محبت‌آمیز با دیگران به مراتب مشکل‌تر خواهد بود. انسانها باعث ناراحتی و مشکل می‌گردند. آنها با ما مخالفت می‌کنند و باعث تحریک اعصابمان می‌شوند. چه بسا که ما را مورد آزار و اذیت قرار داده، با ما به دشمنی پردازند. محبت به دیگران، به مراتب مشکل‌تر از محبت خدای پاک و مهربان می‌باشد. برای همین است که می‌گوییم: «من خدا را دوست دارم، ولی از فلان شخص متنفرم!».

ولی اظهار اینکه «من خدا را دوست دارم» بی‌آنکه نسبت به دیگران محبتی داشته باشیم دروغ محض است! (اول یوحنا ۴:۲). چرا که محبت ما نسبت به دیگران نشانه داشتن محبت

مرحله، احساسی به نجات و دریافت بخشش خدا حس نمی‌شود و شخص فکر نمی‌کند که به خدا نیازمند است. مرحله دوم زمانی است که ترس خدا در زندگی او وارد می‌شود. در این زمان هنوز از محبت اثری نیست ولی ترس خدا باعث می‌شود که انسان به کلام خدا توجه کند و راجع به اعمال خود و عواقب گناهان کمی اندیشه نماید. مرحله سوم زمانی است که در کنار ترس خداوند، محبت و عشق خدا نیز در دل انسان وارد می‌گردد. و بالاخره در مرحله چهارم انسان همه اعمال و افکار و حرکات خود را به خاطر محبت و عشق به خدا انجام می‌دهد. زمانی که یک ایماندار به این رتبه رسید، آنگاه با اطمینان کامل در مقابل خدا می‌ایستد و او را **ای پدر** خطاب می‌کند.

در امثال سلیمان ۱:۷ آمده است: **ترس یهوه آغاز علم است**. ترسی که سلیمان از آن گفتگو می‌کند، با **ترسی** که یوحنا به آن اشاره دارد، متفاوت می‌باشد. در این آیه منظور یوحنا، ترسی واقعی و خوف از عذاب و تنبیه خداوند می‌باشد. ترس از اینکه خدای پاک، من گناهکار را مجرم خواهد شناخت و مطابق کثرت گناهانم مجازات خواهد نمود. ولی در امثال، ترس به معنی احترام و ملاحظه بکار رفته است. این چنین خداترسی، باید علامت مشخصه هر ایمانداری باشد.

۱۹ ما او را محبت می‌نماییم، زیرا که او اول ما را محبت نمود. انسان گناهکار، در حالت طبیعی و جسمانی خود، خودخواه‌تر از آن است که مایل به محبت خدا باشد. در وجود هیچ یک از ما انسانها محبت خالص و خالی از خودپرستی پیدا نخواهد شد. دوستی با خدا زمانی میسر خواهد بود که خدا، خود محبت را در ما بریزد و ما را به دوستی با خود فرا خواند (رومیان ۵:۵). تنها دلیل ما جهت محبت نمودن خدا و دیگران، این است که ابتدا خدا ما را مورد مهر و محبت خود قرار داده است. او روح القدس را به ما

۲۰- یک نوع محبت طبیعی در همه انسانها وجود دارد. مثلاً محبت و علاقه بین اعضای خانواده و محبت مادر و پدر نسبت به فرزندان و محبت میان دوستان نزدیک و صمیمی. ولی این نوع محبت با آن محبتی که در اینجا مورد نظر یوحنا رسول است، متفاوت می‌باشد. منظور یوحنا محبت خالص و صددرصد صادق روحانی و خالی از هرگونه خودپرستی می‌باشد. ابراز این نوع محبت بدون کمک روح القدس محال می‌باشد.

به برادران، دو روی یک سکه می‌باشند و داشتن یکی بدون دیگری محال خواهد بود.

۳ ولی محبت خدا یعنی چه؟ جواب یوحنا این است که محبت کردن خدا یعنی اطاعت نمودن از احکام خدا (یوحنا ۱۴:۱۵، ۲۱ را مشاهده کنید). به گفته مسیح خداوند، بزرگترین احکام این است که خدا و همسایه خود و برادران خود را محبت کنیم (دوم یوحنا ۶).

اطاعت از احکام خدا امری مشکل و باری گران و خسته کننده نیست. زیرا که خدا خود فیض و قوتش را به ما عطا خواهد نمود تا او را با شکر و شادی اطاعت نماییم (متی ۲۸:۱۱-۳۰ را مشاهده کنید).

۴ احکام خدا گران و طاقت فرسا نمی‌باشند. زیرا که به ما قدرتی داده شده است که توسط آن بر دنیا و شیطان غلبه پیدا کنیم. چگونه این پیروزی را نصیب خواهیم شد؟ جواب یوحنا یک کلمه بیشتر نیست: **ایمان**. بوسیله ایمان، عیسی مسیح، در ما زندگی می‌کند و می‌دانیم که مسیح بر شیطان غلبه یافت (یوحنا ۱۶:۳۳). پس، با کمک و به وسیله نیروی مسیح، ما نیز بر شیطان پیروز خواهیم شد (اول یوحنا ۴:۴ را مشاهده کنید).

در اول یوحنا ۲:۱۴، یوحنا رسول نوشت **کلام خدا در شما ساکن است و بر شریر غلبه یافته‌اید**. سکونت کلام خدا در ما یعنی سکونت مسیح در درون ما، مسیح همان کلمه خداست که در ما ساکن است (یوحنا ۱:۱).

۵ تنها آن کسانی که به مسیح ایمان دارند بر دنیا غالب خواهند شد (اول قرنتیان ۱۵:۵۷ را مشاهده کنید).

شهادت به مسیح (۵:۶-۱۲)

۶ عیسی مسیح به آب و خون آمد، یعنی اینکه او به وسیله آب و خون خود را به ما شناسانید. او به عنوان پسر یگانه خدا به آب،

نسبت به خداست. اگر نتوانیم دیگران را محبت کنیم، چگونه می‌توان انتظار داشت که خدا را محبت کنیم؟

انسانها به شباهت خدا خلق شده‌اند (پیدایش ۱:۲۷). در تک تک انسانها، چیزی یافت می‌شود که آنها را به خدا شبیه خواهد ساخت. اگر نتوانیم صورت خدای نادیده را در انسانهای دیگر ببینیم، چگونه خواهیم توانست خدای نادیده را محبت کنیم.

با این ترتیب، مشخص می‌شود که داشتن محبت حقیقی به خدا، چندان هم ساده نیست! در حقیقت محبت به خدا، مهم‌ترین، لازم‌ترین و مشکل‌ترین وظیفه ما ایمانداران است.

پس چگونه قادر به محبت خدا و انجام این وظیفه مهم خواهیم بود؟ ما قادریم خدا را محبت کنیم زیرا او اول ما را محبت کرد و مهر خود را در قلوب ما ریخت (آیه ۱۹). تنها پس از دریافت کردن محبت از جانب خداست که قدرت محبت خدا و دیگران را خواهیم داشت.

۲۱ مرقس ۳۰:۲۱-۳۱؛ یوحنا ۱۳:۳۴؛ اول یوحنا ۳:۲۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

باب ۵

پیروزی بر دنیا (۵:۱-۵)

۱ در این آیه، یوحنا رسول مطالب اول یوحنا ۲:۴ را تکرار می‌کند. هر کسی که به مسیح ایمان داشته باشد از خدا تولد شده است. به عبارت دیگر، هر ایماندار به مسیح، فرزند خدا می‌باشد. اگر پدر را دوست داریم، باید فرزندان او را نیز محبت کنیم.

۲ در اول یوحنا ۴:۲۰، خواندیم که اگر برادران خود را محبت نکنیم، خدا را هم محبت نخواهیم کرد. در این آیه یوحنا می‌گوید اگر خدا را محبت نماییم فرزندان او را محبت خواهیم کرد. به وسیله محبت نسبت به برادران است که محبت ما نسبت به خدا ثابت می‌گردد. در حقیقت، محبت نسبت به خدا و محبت نسبت

یعنی به وسیلهٔ تعمیدش خود را به ما شناسانید (مرقس ۱: ۱۰-۱۱). و نیز به واسطهٔ صلیب خود و ریختن **خون** خویش، خود را به عنوان تنها قربانی گناهان ما، و به عنوان تنها منجی عالم به ما معرفی نمود (یوحنا ۳۴: ۱۹ را مشاهده کنید).

۷ روح القدس بر این حقیقت که عیسی مسیح، پسر خدا و منجی عالم است، شهادت می‌دهد (انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶). یکی از کارهای روح القدس این است که بر حقیقت شهادت می‌دهد و شهادت روح القدس حق است، زیرا که او **روح راستی** است (یوحنا ۱۳: ۱۶). پس می‌توانیم مطمئن باشیم که شهادت او راست است و قادر خواهیم بود که به شهادت او اطمینان کامل داشته باشیم.

به وسیلهٔ کار روح القدس است که اشخاص به مسیح ایمان می‌آورند و از او پیروی می‌کنند. و به خاطر کار روح القدس است که کلیسای مسیح پایه‌گذاری و تأسیس شده، رشد می‌کند. و نیز به واسطهٔ کار عظیم روح القدس است که ایمانداران بر دنیا غلبه خواهند کرد (آیهٔ ۴). این اعمال عظیم روح القدس، باعث اطمینان ما خواهد شد و با دیدن اینها، خواهیم دانست که شهادت روح القدس، برحق و راست می‌باشد.

۸ فقط روح القدس نیست که به مسیح شهادت می‌دهد. بلکه **آب** (تعمید عیسی مسیح) و **خون** (مرگ عیسی بر روی صلیب)، به حقانیت عیسی مسیح شهادت می‌دهند. شهادت «آب» این است که در روزی که عیسی مسیح از یحیی تعمید دهنده تعمید یافت، روح القدس چون کبوتری بر وی نازل شد و صدای پدر آسمانی شنیده شد که: **تو پسر حبیب من هستی که از تو خوشنودم** (مرقس ۱: ۱۱). **خون** نیز بر عیسی شهادت می‌دهد. چون که عیسی مسیح به عنوان یک انسان به جهان آمد تا برای پرداخت بهای گناهان عالم قربانی شود. و بالاخره، روح القدس در قلبهای ما شهادت

می‌دهد. روح شهادت می‌دهد که عیسی مسیح از مردگان برخاسته است؛ و اکنون زنده است؛ و برای ما نزد پدر شفاعت می‌کند؛ و روح القدس را به کسانی که به وی ایمان آورده‌اند بخشیده است. شهادت این سه (آب، خون و روح)، با یکدیگر توافق کامل دارد و برای اطمینان بخشیدن به ما ایمانداران لازم و کافی است. هر سه شاهد (آب، روح و خون)، بر این حقیقت که عیسی مسیح پسر خدا و نجات دهندهٔ جهان است شهادت می‌دهند.

۹ شهادت یک مسیحی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. زمانی که عیسی مسیح تعمید یافت، اطرافیان او صدای پدر آسمانی را شنیدند که گفت: **تو پسر حبیب من هستی که از تو خوشنودم** (مرقس ۱: ۱۱). بسیاری شاهد مرگ او بر صلیب بودند. نزدیک به پانصد تن، عیسی مسیح را پس از رستاخیزش از مردگان دیدند. رسولان و شاگردان مسیح، بقیهٔ عمر خود را در راه شهادت دادن به عیسی مسیح و نشر خبر او صرف نمودند. آنها به گوشه و کنار جهان رفتند و به آنچه شنیده و دیده بودند شهادت دادند (اول یوحنا ۱: ۳-۱).

ولی شهادت خدا از شهادت انسانها به مراتب بزرگتر و مهم‌تر است (یوحنا ۵: ۳۲، ۳۶). شهادت خدا، همان روح القدس است که در ما زندگی می‌کند و به وسیله شهادت او، حضور، قدرت، قوت، و محبت خدا را در زندگی خود تجربه می‌کنیم. به واسطهٔ شهادت روح القدس، ایمان ما نیز به همان استحکام ایمان رسولانی که عیسی را با چشم دیده بودند، خواهد بود.

۱۰ معمولاً روند ایمان آوردن افراد به این شکل است که ابتدا، خبر مسیح را از زبان دوستان و آشنایان خود می‌شنویم و یا اینکه در اثر ملاقات با مبشرین و یا خواندن کتب بشارتی، با خبر مسیح آشنا می‌گردیم. سپس به مسیح پسر خدا ایمان می‌آوریم. بعد از آن روح القدس در قلب ما جا خواهد گرفت و

۱۵ بار دیگر یوحنا رسول به ما اطمینان می‌دهد که اگر ایمان داشته باشیم که خدا ما را می‌شنود: **پس می‌دانیم که آنچه از او درخواست کنیم می‌یابیم.** حتی اگر خداوند فوراً خواسته ما را برآورده نسازد، می‌توانیم به انجام آن در آینده مطمئن باشیم و با ایمان آن خواسته را دریافت شده تلقی کنیم! به عنوان مثال، وعده بهشت و حیات جاودانی را در نظر بگیرید، گو اینکه ما بهشت را در آینده و پس از مرگ خود خواهیم دید، ولی با ایمان، بهشت را پذیرفته‌ایم و با امید به آن زندگی می‌کنیم و با صبر و خوشی منتظر تحقق وعده خداوند می‌باشیم.

۱۶ اگر کسی برادر خود را ببیند که گناهی را که منتهی به موت نباشد می‌کند، دعا بکند و او را **حیات خواهد بخشید.** در رساله یعقوب می‌خوانیم که اگر برای برادری که در گناه افتاده است دعا کنیم، به واسطه دعاهای ما گناهان آن برادر بخشیده خواهد شد و شفا خواهد یافت (یعقوب ۵:۱۶). ولی اینجا یوحنا رسول یک برکت دیگر دعا را ذکر می‌کند و آن اینست که نه تنها خدا آن برادر را خواهد بخشید، بلکه حیات را نیز به او عطا خواهد کرد. در اینجا ممکن است که مقصود یوحنا از **حیات**، زندگی جسمانی و طبیعی باشد. از سوی دیگر، ممکن است کلمه «حیات»، به معنی زندگی روحانی تعبیر گردد. اگر برادری به خاطر گناه، دچار ضعف و بیماری روحی و روانی شده باشد، دعای ما ایمانداران قدرت شفا دادن دارد و شفای روانی و روحانی آن برادر امکان‌پذیر خواهد بود. دعای ما قادر خواهد بود که زندگی متلاشی شده آن برادر را احیاء نماید (یعقوب ۵:۱۹-۲۰؛ اول یوحنا ۹:۱). پس بیایید که دائماً برای سلامت روحانی و جسمانی یکدیگر دعا کنیم تا اینکه یکدیگر را از بلایای روحانی گناه و

شهادت روح القدس باعث تقویت ایمان ما خواهد گردید. به وسیله روح القدس، مسیح در مرکز ثقل زندگی ایماندار قرار خواهد گرفت و خداوند زندگی ما خواهد شد.

اگر انجیل نجات خدا را رد کنیم، مثل این است که او را دروغگو قلمداد نموده‌ایم، زیرا که با رد کردن شهادت روح القدس، روح راستی را دروغگو شمرده‌ایم.

۱۱ و این است شهادت انجیل: **خدا حیات جاودانی^{۲۱} به ما داده است و این حیات در پسر اوست** (یوحنا ۴:۱ را مشاهده کنید). **خدا پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد... حیات جاودانی یابد** (یوحنا ۳:۱۶).

۱۲ بدون ایمان به مسیح، دریافت حیات جاودانی میسر نخواهد بود (یوحنا ۳:۳۶ را مشاهده کنید). به وسیله ایمان، پسر را داریم و به واسطه ایمان به پسر یگانه خدا، حیات جاویدان را دریافت خواهیم نمود.

ملاحظات (۵:۱۳-۲۱)

۱۳ در اینجا یوحنا رسول به دلیل اصلی نگارش این رساله اشاره می‌کند: **این را نوشتیم... تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید.** دلیل یوحنا از نگارش انجیل خود این بود که: **تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خداست و تا ایمان آورده به اسم او حیات یابید** (یوحنا ۲۰:۱۳). اینک یوحنا رسول این رساله را می‌نویسد تا به ایمانداران اطمینانی دوباره داده و آنها را در ایمانشان تقویت نماید. تا بدانند که آنها هم‌اکنون **حیات جاودانی** را یافته‌اند.

۱۴ اگر از خدا هر چه بر حسب اراده او سوال نماییم، ما را می‌شنود و اطمینان داریم که او درخواستهای ما را خواهد شنید. اگر او دعاهای ما را می‌شنود، پس مطابق اراده خود جواب ما را خواهد داد (اول یوحنا ۳:۲۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲۱- حیات جاودانی، بزرگترین و مهم‌ترین قسمت

تجربه نجات می‌باشد.

به موت می‌گردد. ولی نگران نباشید! اگر کسی آنقدر خدا ترس است که نگران گناهی که منتهی به موت است، می‌باشد؛ این خود دلیل این نکته خواهد بود که دل شخص بر روی الزام روح القدس باز است و در توبه برای او گشوده است. آن کسانی که به روح القدس کفر می‌گویند، هرگز نگران مجازات و توبه نیستند. آنها به روح القدس و الزام وی اهمیت نمی‌دهند و صدای وجدان خود را خفه کرده و به هیچ کس جز امیال پلید خود گوش نمی‌دهند. خلاصه کلام اینکه آنها قلب خود را سخت نموده‌اند.

یوحنا رسول نمی‌گوید نباید برای آن اشخاص دعا کرد. منظور رسول این است که دعا کردن برای این چنین افراد وظیفه مسیحی ما نیست ولی در عین حال این بدان معنا نیست که ما اجازه دعا کردن برای گناهکاران را نداریم. اول اینکه ما هرگز قادر به تشخیص این که آیا گناهان شخصی منتهی به موت است نخواهیم بود. درست است که آنها را از میوه‌های ایشان خواهیم شناخت (متی ۱۶:۷). ولی از کجا می‌شود دانست که آن افراد در آینده توبه نکرده و مبدل به غولهای ایمان نشوند؟ عیسی مسیح فرمود که بر دیگران حکم نکنیم زیرا که ما قدرت و توانایی قضاوت کردن را نداریم (متی ۱:۷). فقط این خدا است که از آینده و سرنوشت افراد آگاهی دارد. پس ما باید همیشه برای همه کسانی که در گناه و ناپاکی غرق شده و گمراه گشته‌اند دعا کنیم.

۱۷ در این قسمت، ممکن است که این سوال مطرح شود که: آیا مگر کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که: **مزدگناه موت است** (رومیان ۶:۲۳). و مگر نه اینکه هر گناهی منتهی به موت خواهد گردید؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که آن عده از افرادی که به مسیح ایمان نیاورده‌اند، هر گناهی به موت منتهی خواهد گردید. ولی زمانی که ایماندار مرتکب خلاف و گناهی می‌گردد، وضع فرق خواهد کرد. گناه فرد ایماندار، او را به

بیماری‌های جسمی و روحی و عاطفی شفا دهیم.

در قسمت اول این آیه، یوحنا در باره **گناهی که منتهی به موت نباشد** سخن راند، اینک او در بخش دوم آیه نیز راجع به **گناهی منتهی به موت** سخن می‌راند. حال این سوال مطرح خواهد شد که منظور یوحنا چیست؟ کدام گناه است که منتهی به موت می‌گردد و کدام گناه است که منتهی به موت نیست؟ گناهی که منتهی به موت می‌شود، همان کفر به روح القدس می‌باشد (مرقس ۳:۲۸-۲۹). خدا این گناه را نخواهد بخشید.

کفر به روح القدس چیست؟ کفر به روح القدس طرد کردن و تمرد دائم نسبت به پیام انجیل، بی‌اعتنایی دائم به محبت خدا و شهادت روح القدس در قلوبمان می‌باشد. به عبارت دیگر، زندگی مداوم و مستمر در گناه و بی‌اعتنایی به الزام روح القدس و عدم تأسف و توبه از گناهان می‌باشد. خدا از ما انسانها می‌خواهد که از گناهان خود توبه کرده، به سوی او بازگشت کنیم و محبت و حیات جاودانی را از عیسی مسیح دریافت نماییم. ولی هستند انسانهایی که این پیام را مسخره و ریشخند کرده و از شنیدن پیام محبت خدا اکراه و ابا می‌ورزند و حتی در بعضی مواقع پیام‌رسانان مزده خدا را تحت جفا و شنکجه قرار داده، آنان را به شهادت می‌رسانند. در این حال است که برای خدای مهربان، چاره‌ای جز مجازات ایشان باقی نخواهد ماند. آنها دعوت و محبت و شهادت روح القدس را رد می‌کنند و این کفر به روح القدس می‌باشد.

در زندگی روحانی هر ایماندار، موقعی پیش می‌آید که ایماندار باعث اندوه روح القدس خواهد شد (افسیسیان ۴:۳۰). همه ما گهگاه مرتکب گناه می‌شویم (اول یوحنا ۱:۱۰). لذا بعضی از مسیحیان همیشه در این ترس به سر می‌برند که مبدا مرتکب گناهی شوند که منجر

سوی هلاکت سوق نخواهد داد. زیرا که خدا یک بار و برای همیشه گناهان ما را بخشیده و پاک گردانیده است (اول یوحنا ۱:۹). لذا گناه یک ایماندار او را به سوی هلاکت نخواهد کشاند.

۱۸ یکبار دیگر، یوحنا رسول سخن قبلی خود دال بر اینکه: **هر که از خدا مولود شد گناه نمی‌کند**، تکرار می‌کند (اول یوحنا ۳:۶، ۹). باید متذکر شد که مقصود یوحنا این است که ایمانداران به طور مرتب در حیات و زندگی آلوده به گناه زیست نکرده و تولد تازه شیوه نوینی جهت زندگی فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. بلکه طرف صحبت یوحنا کسانی است که قصداً در گناه زندگی کرده و نام مسیح و شهادت روح القدس را باطل می‌نمایند. **بلکه کسی که از خدا تولد یافت خود را نگاه می‌دارد و آن شریر او را لمس نمی‌کند.** مسیح ایمانداران را از افتادن به گناهی که منجر به موت می‌شود حفظ می‌کند (یوحنا ۱۰:۲۸-۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۹ ما مسیحیان، فرزندان خدا هستیم و متعلق به این دنیا نمی‌باشیم. ما متعلق به پدر آسمانی‌مان خدا هستیم. خون عیسی مسیح، ما را از ملکوت ظلمت رها نموده و به ملکوت نور (ملکوت آسمان) منتقل کرده است. مادامی که خداوند رجعت نفرموده است، این دنیا تحت سلطه آن **شریر** (یعنی شیطان) می‌باشد (یوحنا ۱۷:۱۴-۱۶ را مشاهده کنید).

۲۰ توجه کنید که یوحنا رسول چندین بار در این رساله عبارت **می‌دانیم** را بکار می‌برد (آیات ۲، ۱۵، ۱۸، ۱۹ را مشاهده کنید). ایمان به مسیح، اعتقادی کورکورانه و بی‌منطق و دلیل نمی‌باشد، بر عکس ایمان به مسیح بر پایه

دلایل متعدد بنا شده و به همین خاطر ایمان ما می‌تواند ایمانی مستحکم و متکی به دلیل و منطق باشد. ایمان به مسیح در واقع ایمان به حقیقت و راستی است (یوحنا ۱۴:۶). ما قادر هستیم که عیسی مسیح پسر خدا را شناخته، با وی رابطه زنده و حقیقی ایجاد کنیم و او را پرستش نماییم. پس با ایمان به مسیح، دیگر نیازی به پرستش خدایان کذب و بت‌های مرده نمی‌باشد (آیه ۲۱).

۲۱ آخرین تأکید یوحنا این است که خود را از بتها دور نگاه دارید (خروج ۳:۲۵-۶). بت صرفاً یک تکه سنگ و چوب تراشیده شده نمی‌باشد. در دنیای امروزی، کمتر کسی به شکل کلاسیک کلمه، بت پرستی می‌کند. ولی این نکته حائز توجه است که دور و اطراف ما را بت‌های مختلف و متعددی فرا گرفته است. هر چیزی که توجه و محبت ما را بیشتر از خدا جلب کند و هر چیزی که در مقابل محبت ما نسبت به خدا دیواری بکشد و سدّ بسازد، مبدل به بت خواهد شد. بت ممکن است، همسر و فرزندان و خانواده و پول و کسب و کار و تفریحات و غیره باشد.

اگر در زندگی روزمره خود هر کدام از اینها را در مقامی بالاتر از خدا قرار دهیم، آنها را به بت مبدل ساخته و مورد پرستش قرار داده‌ایم. بت، خدای دروغین است. بت از چیزهای این دنیا ساخته شده است و ما نمی‌توانیم که خدا و دنیا را در آن واحد با هم و به یک اندازه دوست بداریم (متی ۶:۲۴؛ اول یوحنا ۲:۱۵-۱۷ را مشاهده کنید). لذا به این دلیل است که یوحنا رسول، نامه خود را با این جمله خاتمه می‌دهد: **ای فرزندان، خود را از بتها نگاه دارید.**

